

شکرهای قزاقان بتصرف مجاهدین آمد چند تن از قزاقها کشته شده جگرم کباب شد زیرا آنها هم برادران ما هستند نمی دانند در چه راهی خودشان را فدا میکنند ، الحمد لله از طرف ماها هیچیک از فدائیان چشم زخمی وارد شده بقیه اردوی مخالف فرار کرده دسته جات دیگر اردوی ملی که از راه های خارج رفته بودند جلو آنها را دارند ، امیدواریم که بزودی در مرکز ورود نموده وجود خائبن را از میان برداریم و خودمان حافظ تاج و تخت اعیان حضرت هاپونی باشیم
(فدائی وطن عبدالحسین)

پروتست تلگرافی انجمن ولایتی

(اسزهران مجید سزرای دول مقیم طهران)

بتوسط جناب مستطاب اجل وزیر مختار ایلیچی مخصوص دوات بریه اطریش و مجارستان مقدم السزراء متحابه دربار ایران دام اقبالم - از قرار اخباری که هموطنان ما از اخبار منتشره در روزنامه جات فرنگستان معلوم داشته اند احتمال داده اند دربار ایران فقط برای حفظ استقلال جبرانه خود عقد قراردادی با دو دولت همسایه نموده که بکلی حقوق ملت و استقلال مملکت ایران را باطل و ضایع نموده خاطر محترم آن نمایندگان دول دوست مسبوق است که از قبل از جلوس این پادشاه ملت ایران در مقام مطالبه حقوق خود برآمده و از شاهنشاه مبرور امضاء مشروطیت را تحصیل کرده و دارای قانون اساسی و پارلمان شده و از روز جلوس اعلیحضرت محمدعلی شاه دقیقه مجال نیاتمه که باصلاح امور داخلی و خارجی خود پردازد ، بلکه قوه مجریه بحریک منسین مملکت را شورانیده و بکلی رشته انتظامات را از هم گسیخته چه خونها که بناحق ریخته و چه قته ها صدها برپا نموده و این ملت مظلوم همه را تحمل نموده که استقلال ملی خود را از دست ندهد ، اینک تمام فداکارها را بامضای هشت ماده ضایع و مهمل نموده ، در این وقت باکمال عجز انصاف و حق شناسی آن حامیان آزادی و مدنیت را بحکایت خواسته عرض و اظهار مینمایم ، که آیا دربار ایران در موقع تعطیل پارلمان میتواند قراردادی که محفل آزادی و مضر حقوق ایرانیان

حیات ابدی يك ملتی را ندای استقلال شخصی بنماید ؛ و نیز با نهایت ادب و احترام از نمایندگان دولت قوی شوکت روس و انگلیس که خود را مروج اسباب و خواهان آزادی و مدیت میدانند سواست مینمایم ، که آیا درموقه یکه يك ملتی با این بیجان و انقلاب و این همه مصائب در مقام حفظ استقلال و آزادی خود باشند کدام انصاف اجازه میدهد که قوت قادره خود را صرف کشتن حیات استعلائی و ثبات آزادی آن ملت تازه بیدار نماید ، این است که ملت اسزهران با نهایت مظلومیت برای حقایق خود تمام دول و ملل متدبیه شکایت و مان دو دولت همسایه اعتراض مینماید که هرطور قراردادی در موقع تعطیل پارلمان برخلاف استقلال ملی و ممانع ملکی ایران با دربار طهران بسته باشند ماب ایران لر و مهمل پداشته و هیچوجه تمکک از آن قرار داد نمیکند و از تدرت و عظمت آن دو دولت متوقع و منتظر است که از ترقی و آزادی يك ملت مظلومی ثبات نکرده دست در خون جمی بیچارگن زنند و خود را شریک ظلم و بیداد نکنند و ممانع خود را در تربیت و استقلال ملت ایران ندانند (انجمن ولایتی اسزهران)

پنجشنبه بتاریخ ۲۱ ج ۱

پروتست تلگرافی عموم اهالی اسزهران

(و آحاد بختیاری)

بتوسط جناب مستطاب اجل وزیر مختار و ایلیچی مخصوص دوات بریه اطریش و مجارستان مقدم السزراء دام اقباله

خدمت جنابان مستطابان وزراء مختار مقیم دربار ایران دام اقبالهم

مکرر شرح سوابق مستدعیات ملت مظلوم ایران و مراحمتهای بعضی منسین دربار را خدمت جنابان عالی اظهار داشتیم و غالباً بتوسط جنابان عالی محصور هاپون عرض شده و از طرف قرین الشرف همه وقت وعده مساعدت و دستخطهای متوالی متواتراً در اعاده مشروطیت و انعقاد پارلمان مرحمت شده ولی بدبختانه منسین درباری میگذارند نتیجه مظلوم حاصل شود و هیچوجه از درباریان آثار خیر اصلاح امور و تربیه حال جمهور ظاهر نمیشود

قوانین مشروطیت است از دربارگردون مدار بتوسط وزراء محترم استدعاء کردیم و جوابیکه مزید فائده باشد داده نشده این است که ملت اصغرمان عموماً و خوانین بختیاری خصوصاً جناب مستطاب اجل سردار اسعد حاجی علی قلی خان را انتخاب کرده جناب طهران روانه داشته اند که بدربار همیونی مشرف شده و در قبول مستدعیات ملت که مکرر بوسالت وزراء مخبره شده و جواب باصوابی ندادند اصرار نمایند، و اگر چنانچه جناب حاجی علی قلی خان مختصر عده همراه داشته باشد فقط محض حفظ نفس و مداومه از موافقت و بریدچوجه ایشان را هیچ قصدی جز حصول مقاصد مشروطه ملی و ابقاء سلطنت اسلامی در زیر سایه مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی محمد علی شاه دام سلطانه ندارند و شبه نداریم که خاندان مستطابان عالی مضمون این تلگراف را بدربار ایران ابلاغ خواهند فرمود

(عموم اهالی اصغرمان و ایل بختیاری)

تلگراف انجمن ولایتی قزوین

(به انجمن ولایتی اصغرمان)

حضور انشاء محترم انجمن ولایتی دامت تأییداتهم - چنانچه خاطر تان مسبوق است بعد از تمام صدمات وارده بملت از خائنین دین و دولت که احاطه بر اریکه سلطنت داشته بمحض زیارت دستخط مبارک اعاده مشروطیت ما یک قول صادقانه مراتب شاکراه محسن و چراغان ودعا گوئی و جود مقدس اعلیحضرت همایونی قدیم رسائیده شهر و نقاط دیگر را عواید بدرابه متبوع معظم ایراسان منتظر داشته بامیدیکه هیئت وزراء گرام برخلاف عادت سلیقه وزراء سلب دنباله نیات مقدسه را گرفته ساعت بساعت از اقدامات جدید خود موجبات اطمینان قلوب را بساحت مقدس ملوکانه فراموش میسکنند و شعار وصل را حسب الوافذیه پیش نهاد میزنمایند، متأسفانه می بینیم از مشروطه استدعاء عاجزانه همان دستخط مبارک که مشرح (۱۵۸) اصل است اثری بظهور برسیده، یکگاه است میگردد مهبانان محترم از تبریز حرکت نکرده اند، سهل است شنیده میشود تصییقات در تبریز بشدت است که جنابان سردار ملر و سالار ملر و بعضی دیگر در شیندر عثمانی

بحضرت علامه الدوله و خراسان بحضرت والا رکن الدوله و گیلان بحضرت سپه دار اعظم بنصوب دیگران واگذار میشود، و حال آنکه مکرر از هیئت وزراء نظام استدعاء شده بجهت اطمینان قلوب اهالی قزوین حکومت ایجا را بحضرت سپه دار اعظم واگذار فرمایند نتیجه اینطور بروز میکند، چیزهای دیگر شنیده میشود که موجبات یاس را فراهم میکند ما نمیدانیم با آن یقین صادقانه که در ماده هیئت وزراء داشتیم این مراتب را بجهت حل نایم، هرگز احتمال این بروزات را نمیدادیم و نمیدانیم بوزراء نظام بجهت زبان حالی نایم که دیگر در اجملت قوه تحمل باقی نمانده مسلک خیرخواهانه خود را طرف توجه ملت قرار دهید و سعی باشید که مردم در مراتب دعا گوئی باقی و ثابت بمانند، امروز عرایض تلگرافی بحضور اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداء و هیئت وزراء عظام عرض شد شاید بموقع ترحم افتد، و اگر نگذارند این عرایض برسد یا مؤثر شود مختارند، از احوالات آنجا کاملاً تلگراف فرمائید و با همه پست مرقومات مبارکه را منتظریم، این تلگراف را بلحاظ مقدس علماء اعلام و حجج اسلام و حضرت اشرف آقای صمصام السلطنه و سایر رؤساء و خوانین ایل جلیل بختیاری رسانید و از حالات خودتان اطلاع دهید (انجمن ولایتی)

تلگراف حضرت آیه الله خراسانی

(به خوانین عظام بختیاری)

بمخف بصره توسط دهدشتی عمره باصغرمان، جنابان مستطابان سرداران عظام ملی دامت تأییداتهم تلگراف اطهار اطمینان که از سیم خارجه فرموده بودید رسید، موقع باریک، وطن درخطر، حفظ قوای ملیه، تهیه حراست مجلس، تدم قبول ضمان مشروطیت از اجانب، سلب قوای استبدادیه، اجراء حکم الله بر منسدين لازم، انشاء الله تالی (محمد کاظم خراسانی)

تلگراف ورود خوانین در قم

(بحضرت صمصام السلطنه)

حضور حضرت مستطاب اجل آقای صمصام السلطنه مدظله العالی، صبح پنجشنبه پنجم با پانصد سوار چیلاری وارد قم شده امورات محمد

تشریف دارند، فردا آقای غیاث لشکر باشمند نفر سوار و تفنگچی وارد میشود، پس فردا حضرت اجل آقای حاجی علی قلی خان وارد میشود، تلگراف ورود را حضور حضرت سپهبد اعظم عرض کردیم. علی مراد خان عرض فدویت دارد

جاگر (محمد جواد - منظم الدوله - ضیاء السلطان)

تلگراف انجمن ولایتی

(اصنهان به بوشهر)

۲۷ ج ۲ - خدمت اعضاء محترم انجمن ولایتی بوشهر دامت تائیداته و حضرت اجل اکرم آقای دریا بیگی دام اقباله

مجاهدات ایل جلیل بختیاری و غیرتندی برادران عبور خوانان عظام کرام صرم الله موجب تشکر و امیدواری فلاح و نجاح ملت ایران است، اینک برای استرداد حقوق ملت در میدان جنگ دین مازی میبایند بعد از اردوی حضرت اجل سردار اسعد چند اردوی دیگر بیابان حرکت داده شد، بالغ بر چهارهزار سوار شجاع بختیاری حرکت کرده اند ملت اصنهان در این چند ماهه و در این موقع از بوجه مالیات و غیره تهیه مصارف مجاهدین بقدر مقدور نموده اند و کمال میل را دارند که این شرف را تا آخر پتراهائی نایل کردند مگر آنکه برای احتیاط لازم است یک اردوی سه هزار نفری عاجلاً از بختیاری حرکت بدهند

آنها در راه برادران وطنی و دین اسلام جان میدهند در این موقع از هرکس هر قدر ممکن اعانت مجاهدین سزاوار و تاریخ سعادت این ملت مساعدت هیچکس را فراموش نخواهد نمود

(انجمن ولایتی اصنهان)

تلگراف انجمن ایالتی تبریز بطهران

برای مذاکرات حضرات آقایان نجار که تلگرافخانه تشریف آورده اند خوب است سلام درد مندان ما را هم که با صدای بسیار حزین میدهم پذیرفته و صناً چند دقیقه اوقات شریف را متوجه صریض این خادمان بفرمائید که مملکت آتش گرفته و می سوزد. و نزدیکت آب از سر مان بگذرد. آنچه عرض و اصرار کردیم که در تین حکومت نقل تمجیل فرمایند با امروز و فردا گذشته

گرددیده و اگر علاج فوری نفرمایند این مملکت دچار محذورات و مشکلات خواهد شد که دیگر حل آن بهیچوجه برای اولیای دولت و امنای ملت ممکن نشود ملاحظه فرمائید از دیروز تا بحال وضع این شهر بجه درجه اهمیت پیدا کرده و مداخلات مهانان بجه اندازه رسیده است

چند روز قبل دو نفر در حکم آباد با همدیگر نزاع کرده اند از اداره حکومت در صدد تحقیق و رسیدگی بودند، یکی از آنها میرود بقونسولخانه شکایت میکند. مأمورین روسی ما عده - الدات بدون اینکه بحکومت اطلاع بدهند امروز صبح میروند بحکم آباد دور خانه یوسف حکم آبادی را که نزاع کرده بود محاصره کرده خود یوسف را با یازده نفر از اعواش گرفته و خانه هایش را با دینامت تل خاکتری میکنند، والساعه عنوان اسلحه را بهانه کرده تمام خانه های دیزه را میگردند.

ملاحظه فرمائید عاقبت اینکار بکجا میکشد کسبه و اصناف بازار و عموم اهالی را چنان اضطراب گرفته و در تشویش هستند که بخرپر بیاید، آخر مملکت از دست میرود خون بیبارد چه باید کرد، هیئت وزرا چه تدبیری در نظر دارند، چه اقدام مینمایند، بفرمائید تا زود است علاج بنائیم. اشیاء تمام خانه های دیزه را بشکل توقیف میآورند و تفنگی هیچکس را نظیمه های شهر را هم امروز گرفته اند بلاوه اشیاء سایر خانها، چند بار فرش (خاجک) آقای میخی را که تاجر معتبر است توقیف کرده و سالدات گذاشته اند. دو نفر از مقتضی اداره نظیمه هم که برای تقفیش بحکم آباد رفته بودند ما تهدید برگردانیده اند که اگر نروید شمارا می کشیم، ایست

تفصیل حال، منتظر جواب فوری هستیم

(انجمن ایالتی)

تلگراف انجمن ایالتی مشهد بانجمن ایالتی

(رشت و قزوین)

انجمن ولایتی قزوین و رشت دامت تائیداتهم. محض آگاهی هوطنان عزیز و برادران غیرتند خود اعلام میداریم. بعد از پذیرفتن ایالت و ورود بخراسان اشرار شهری که تحریک مستبدین و غیره برای حصول مقاصد خود با سربازان عرب و عجم و توهمان کورس. دو ادک همدست، همدستانند.

بودند بنای شرارت را گذاشته ، دو روز قبل تنگ چند نفر از مجاهدین را گرفته و یکی از کسبه شهر را برداشته بارک برده چندین زخم کاری باو زدند با این هم اکتفا نکرده دو روز قبل بشهر هجوم آورده حانه کاشف الملك که از طرف انجمن ایالتی رئیس پلیس و نظیة شهر است بکلی غارت نموده و حانه چند نفر دیگر را نیز غارت نموده و مدافع کای وجه نقد و امانت ایبت آنها را تماماً بردند ، شب گذشته حانه مبصر السلطنه رئیس تلگرافخانه را غارت و دارائی او را برده ، حاجی میرزا ابراهیم خان مآخر الملك که در منزل او مهرا ن بود بصرب گلوله از با در انداخته چون این حرکات وحشیانه آنها تماس و جلوگیری نشده بر تخریب آنها افزوده میبای حانه بشهر و عارت اموال و قتل نفوس گردیدند ، محض حانه عرض و حان و مال مسلمین جمعی از مجاهدین از جلو کوجههای معابر ارك سنگر بسته مانع از حانه آنها بشهر شدند ، بعد از این مشاهده نمودند مجاهدین شهر خرق را بر آنها گرفته و مانع از هجوم آنها بشهر میباشند ، با توبهای کوهستانی شروع شلیت بشهر نموده چندین گلوله شربل باطراف روضه منوره حضرت امام نامن علیهم ارواحنا فداء انداخته روضه مقدسه سلطان السلاطین هشتمین فرزند رسول را که امروز ما بجا تمام مسلمین و قبه امان بیضه اسلام است هدف گلوله توب نموده صیحه زنان و گریه اطال این عتبه مندمه باسما ن رسیده با ایسکه حمله بارک و قلع و قمع این اشرا ر برای مجاهدین نهایت سهولت را داشت محض اینسکه مهرا نان بهانه بدستان نیاید مثل اهالی تبریز مجاهدین را امر بصبر و تأمل نمودیم که از سنگرهای خود که برای جلوگیری اشرا ر شهر است ابدأ تعدی نمایند ، و در این بین قشون روس از ارك بطرف سنگر مجاهدین با توبهای مثل تگرك از آنها گلوله میبارید بسنگر مجاهدین شلیک و آتش فشان نمودند ، چندین عارت و دکا کین را که در اطراف سنگر بود آتش و مجاهدین ملاحظه اینسکه از مهرا نان مبادا یکی کشته و بهانه مقصود بدست بیاید سنگر خود را گذاشته باطراف شهر متفرق تا صبح مشغول حفاظت شهر بودند ، از سنگر روسی و اشرا ر چند نفر از مجاهدین هدف

گلوله شده در مهرا ن خانه يك زن نیز با گلوله تلف شده است . خانه های غارت شده و اموال منسوبه زیاد است دیشب را تا صبح وضع شهر باین شکل و صبح زود نیز اشرا ر سنگر مجاهدین را که از غلبه شلیت روسی حالی دیده مجدداً حمله بشهر آورده بنای غارت را گذاشته اند و این شهر امروز يك پارچه عوعا است ، فقط برای بهانه بدست نیامدن مهرا نان امر بصبر و سلوک نموده زیاده از این تأمل از حد حوصله بیرون است . متوسل بآن برادران تیرتندان شده قصه امروزی این مملکت را برض رسانیدیم (انجمن ایالتی مشهد)

جواب تلگراف متحصنین سارنجاه عثمانی
(از حضرات آیات الله نجف اشرف)

جناب مستطاب شریعتمدار نه الاسلام آقای حاجی سید محمد آقا داماد تأییداته

وصول تلگراف شریف از آزادی مغاره تلگرا ن که اولین قدم مشروطیت است بدرجه کاشف ولیکن تغییر قانون انتخابات بی امضاء و مداخله امنای ملت مناقض مشروطیت و برای رفع این معاذیر و ترتیب صحیحه انتخابات و حفظ قانون اساسی و مساویت وزراء الی غیر ذلك از وظایف فلیه لازم است مجلس ملی فعلاً بدون هیچ تعویق از معتمدین و کلاسه دوره سابقه که حاضرند باصمام عدده وانیه دیگر از اشخاص با درایت و محل اطمینان ملت موقتاً تشکیل یابد ، و تمام امور بعون الله و حسن تأییده از مجرای قانون مشروطیت صحیحاً ترتیب شود و موجبات آزادی و ایمنی هیئت در انتخابات و توجه مبعوثان بهرگز و معاودت مهاجرین خارجه بوطن کاملاً فراهم و با سایر مراکز ملیه مذاکره آزادی مخاره بشود و خروج از تحص تابع اطالینان کامل بمحصول مرام و وصول بشارت اتفاق امر و استحکام اساس را عاجلاً مرصدیم (انشاء الله تعالی)

(محمد کاظم الخراسانی - عبدالله المازندرانی)

تلگراف انجمن ولایتی اصنهان
(به سمدالدوله)

خدمت دیشوکت حضرت مستطاب اشرف آقای سمدالدوله و حضرت مستطاب اشرف آقای فرمانرما دامت شوکتها ، از روزی که جنابانالی مسئولیت امور جمهور را بر عهده گرفته همه روزها

تذکره و تریه اسباب آسایش ملت و اخراج قشون
خارج از سرحد آذربایجان و خراسان را وعده
فرموده و ملت پیوسته منتظر بود که نتایج اقدامات
جنابانعالی را به بند تا در اینموقع که خبر رفت اثر
خراسان مبنی بر قتل نفوس مسلمانان و نهب اموال
بیمارگان و هتک احرام آستان ملایک پاسبان و اذیت
و آزار ساکنین دارالامان رسید کمال امیدواری
حاصل شد و بظهور پیوست که آن اقدامات چه گونه
بوده و معنی مسئولیت را بر عالمان آشکار فرمودید
و معلوم است اگر ساز اقداماتان هم بهمین هیچ
بوده باشد و تا این درجه مراعات حال ملت و
تقویت اساس مشروطیت را فرمائید عن قریب ایران
کاستان و رشک خان خواهد شد

(انجمن ولایتی اصفهان)

تذکره جناب یوسف خان سالارحشمت
(از قم باصفهان)

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای
معتمد خاقان دامت شوکتی ، پنجم ج ۲ جنابان
منتظم الدوله و ضیاء السلطان با دویت - وار و
عدّه از خواری و استمداد خلیج وارد قم شدند ،
هفتم ج ۲ حضرت احدی آقای حاجی خان مدظله العالی
ورود فرمودند ، هشتم ج ۲ ننده و مسیو مرتضی و
عربزاده خان با اردوی کیوان شکوه ملی وارد قم
شدیم ، اعلی قم آنچه لارمه استقبال و پذیرا بود
فوق اله اده بعمل آوردند جنابان قوسول روس
و قوسول انگلیس ششم ورود به قم نمودند در
صدد اصلاح هستند ، در طهران انقلاب برپا شده ،
اردوی دوات در سلطنت آباد مشغول سنگر بندی
گلیباشند ، اردوی کاشان بسردار معتضد شوریده
سوار افشار و تیرم بکلی متفرق و فراری گردیده
چهارم ماه ج ۲ جناب سالار جنگ محض حفظ
و حراست اردوی کاشان که فراری نشوند بکاشان
رفته ، کار اردو عداج پذیر نیست ، گویا سالار جنگ
و سردار معتضد عدّه قلیلی که از اردو باقی مانده
میخواهند از خط سیاه کوه خود را بطهران برسانند ،
ملا علی نقی احدی الآن از کاشان آمده فرستاده
آقای سالار جنگ است ، خامراً جهت اصلاح باشد
و باطناً جهت رابورت آمده باشد ، جناب ضرفام با
اردوی خود خیل در حرکت فرمودند ، عن این

تذکره را بجهار محال خدمت حضرت اجل آقای
حاجی خسرو خان و جناب سردار بهادر بنرسید که
با اطلاع باشند ، از اقدام و همراهی خواری خلیج
هرچه شرح دهم کم است با استمداد در قم مشغول
کار هستند اردوی دوم زود برسد . (یوسف)
تذکره جناب حضرت اشرف سردار اسعد
(از قم باصفهان)

حضور مبارک حضرت مصمص السلطنه دامت
شوکتی فرمایشات و مطالب حضرت اشرف آقای
سعدالدوله مبنی بر توقف بنده در قم بود تا مطالب
اصلاح شود و رفق بنده را بطهران موجب هیجان
و انقلاب شر و فتنه اشرا و خونریزی در طهران
داسته بودند ، ولی چون سوار حرکت کرده است
مجبورم بروم وعده دادم که تا فردا عصر خود بنام
تا سینه چه فرمایش خواهند داشت و خودم فردا
شب را در مظریه خواهم بود (علی قلی)
(۱۰ شرج ۲)

تذکره جناب حضرت مصمص السلطنه
(بمحضرات آیات الله نجف اشرف)

توسط جناب مستطاب اجل اکرم آقای سردار
ارفع دام اقباله العالی عصره توسط دندشتی ، نجف
حضور مبارک حضرت آیت الله آقای خراسانی و
آقای مازندرانی مدظلهما
طهران در کمال انقلاب ، امروز اردوی دوم
مجامدین بختیاری را بریاست منتظم الملک روانه نموده
خود فدوی منتظر حرکت اردوی سیم است
(نوحی بختیاری) ۱۳ ج ۲

تذکره جناب مستطاب آقای جنر
(قلیخان سردار بهادر)

(از اصفهان بتزوین)

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف
آقای سپه دار اعظم دامت شوکتی ، روز یازدهم با
حضرت مستطاب اجل آقای سردار محترم دام اقباله
و همار سوار جرار وارد تشجان (که بنده فرسخی
اصفهان است) شدیم ، در کمال عجله باصفهان وارد
میشویم ، خود آقای سردار محترم دام اقباله از حرکت
خود شان تذکره عرض کردند ، در همراهی باملت
منتهای همت و مردانگی فرمودند ، و جا دارد حضرت
اشرف ورود باصفهان شان را اظهار امتنان و بروز

مرحت فرمایند در اسفهان انتظار تلگراف مبارک
را داریم که هرچه امر فرمایند با کمال افتخار
اطاعت شود (جزر قلی) ۱۳ ج ۲

تلگراف حضرت مصمم السلطنه بهرام هرمز
مقرب الخاقان عزیزالله خان بحمدالله تعالی ۲۶ ج ۲
تمام مجاهدین مختیاری ورشتی بقوه قهریه وارد طهران
شده علم مشروطیت را در بهارستان بر افراشته
پی در پی راپورت های صحیح بفتح و نصرت آنها
میرسد . به ترتیبات لازمه ادارات شهر را منظم داشته
و مستبدین مشغول فرار هستند (نجفقلی) ۲۷ ج ۲
تلگراف جناب سروش الملك به حضرت
(مستطاب سردار منصور از بوشهر بطهران)

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف
امجد بندگان آقای سردار منصور روحی فدای -
احمد خدا را که بمریدیم و بدیدیم از عود وزارت
جلیده پست و تلگراف چشم خدام روش ، تبریک
و ادعیه قلبیه خود را تقدیم مینماید .

حادم پست (وهاب)

دوشنبه بتاریخ هشتم شهر رجب

جواب حضرت سردار منصور

جناب سروش الملك دام مجده - از وصول تلگراف
تبریک و اظهار محبت و مهربانی شما خیلی مشغوف
و ممنون محبت شما پاینده و مستدام باد

(سردار منصور) جمعه بتاریخ ۱۳ رجب

سیستان وقایع نکار ما

(یوم پنجشنبه ۱۱ رجب)

بعد از رسیدن تلگرافات فتوح سرداران ملی
که خدایشان عزای خیر دعاد وضع سیستان بکلی
مغشوش شده و رشته انتظام از هم گسیخته است
رؤسا بفکر نگاه داشتن کلاه خود افتاده و قرا
گرفتار اشرا را افغانستان شده اند ، چنانچه شب پست
و چهارم حامدی الثانیه قریب سی نفر بلوچ افغانی
از سرحد گذشته و بخاک ایران آمده و یکی از
قراء را که موسوم به قلعه کهنه است چلیده دو
نفر مقتول و دو نفر را هم مجروح نموده بخاک
خود فرار نموده اند ، و از آروز تا بحال از این
اتفاقات در حدود سیستان مکرر اتفاق افتاده

جناب اکرم الملك کار گذار و مه حد دار که

بجنوبی ملتفت مطلب شده اند یعنی مطمئن شده اند
که دیگر بکلی دستکاه کهنه از میان رفت و مأمورین
عموماً مانند شتر بی مهار نخواهند بود جداً مشغول
کار شده اند ، لکن بد بختانه بواسطه همغیال نبودن
سایرین با ایشان هیچ کاری از پیش نمی تواند برد
و برای امنیت آنچه از نایب الحکومه سوار میخواهد
سکه به اطراف بفرستد ایشان و سایر سرداران
(اصلاح سردار در سینستان مانند بلوچستان و
هندوستان و افغانستان است یعنی رئیس طایفه یا
خوانین را میگویند) و کد خدایان که سواران
ابواب جعی آنها است اطاعت نمیکند و در جواب
اطهار مینمایند که سواران خانه اند

در این موقع بجران ایران و استقلال وزرا
بکار های عمده در حدود سیستان بعد از دیدن
بی حالی حکومت چه رنگی بریزد ، چیزی هم از
انجمن ولایتی این نکته عرض شود

تا بحال انجمن منعقد نشده لکن قریب یک هفته
بود قرا بهیجان آمده و مطالبه انعقاد انجمن مینمودند
حاکم نایب الحکومه قرار داد که علما را خبر داده
حاضر شوند و برای تأسیس انجمن ولایتی پس از
قرائت تلگرافات قرار داد دهند ، روز چهارشنبه دم
شهر رجب قرار بود از صبح عموماً حاضر شوند
لکن برای نمودن تشخص هیچکدام سر وقت حاضر
نشدند و آنهاییکه خیلی متشخص بودند مقارن ظهر
حاضر شدند و تا دو ساعت از ظهر گذشته نشسته
بروی هم نگاه کرده قلبان کشیدند ، آخر الامر یکی
از قرا که پیش از همه آقایان دارای شیرت منعی
و وطنی بود اطهار مطلب نموده و نتیجه این اجتماع
را برش نمود پس از قدری سکوت يك از
آقایان جواب دادند که این اجتماع برای صرف
نهار است انشاءالله شب را عموم علما در يك محل
جمع شده در این باب گفتگو خواهیم کرد ، شب
را جمع شده پس از گفتگوی زیاد قرار بر این
شد که برای پیدا نشدن اختلاف مباحه خود آقایان
هتر این است که آنچه حج الاسلام اسمی در سیستان
است بدون انتخاب اعضای انجمن ولایتی باشند لکن
آنها مطابق نوشته یکی از آقایان بمأمورین بواسطه
نمودن محل اخراجات قروه خانه مطلق خواهد بود

شرح تشریح واقعات جنگ طهران

(ر حسب تلگرافات)

امروز صبح سلطان احمد پادشاه جدید ایران از سنارت خانه روس به سلطنت آباد در حالتیکه دوسوار هندی از طرف سنیر انگلیس و دو قزاق از جانب سنیر روس هم در رکابشان بود از سنارت بیرون آمده پس از آنیکه ایشان را در سلطنت آباد به سرداران ملی سپردند مراجعت کرده بایشان گفتند صانت و حمایت روس و انگلیس ازین وبعد از شما مرتفع گردید - در آن حال مراسم مختصری بجای آورده سلطان احمد شاه را بسلطنت قبول نموده رسماً اعلان دادند -

شاه که ۱۳ سال پیش ندارد با نهایت قوت قلب مراسم سلطنتی را بجای آورد -

بموجب خبریکه دوسنارت خانه ایران در لندن رسیده تمام مملکت امن و پای تخت هم تمام بقبضه ملت درآمده است

کابینه وزرا تکمیل پذیرفت - فعلاً منباب وظیفه شاه مخلوع مخایره دارد - عمده پناهندگان در سنارت خانه بیلاقی انگلیس هستند و همه روزه مرعده آنها می افزاید -

امروز صبح اگر شهر طهران را کسی از خارج آمده وملاحظه میکرد هرگز گمان نمی نمود که دیروز درین شهر جنگ عظیم واقع شده فقط بعضی از ستونهای تلگراف افتاده و سیمش در کوچها قطع شده و چند جسد اسب و سگ های وحشی در بعضی گوشه ها و چند سنگر در اطراف دیده می شود - اگر چه صرف سرب و باروت خیلی شده ولی نشان های گلوله بهارات بسیار کم نمایان است و ظاهراً میدارد نیندی که درین شهر وارد شده و امنیت را قائم داشته قصدش خرابی نبوده است - تراموهای شهری در آمد و شدند و کالسکه های اجاره نیز در تردد دکا کین همه باز و مردم آسوده و مرفه الحال می باشند - افراد اردوی مختیاری در انتظام شهر بگردش اند و قزاقان دولتی که دیروز با احرار ملی دشمن بودند امروز برادر وار باهم سلوک نموده مشغول خدمات دولت تازه

دیروز صبح سنرای دولتی انگلیس و روس را از طرف شاه اجازه صلح داده نمی شد ولی همان روز عصر شرایط تسلیم کرنل لیاکوف که پشت و پناه شاه شناخته می شد بسر داران ملی پیش شده و قبول گردید -

بهر حال محمد علی هم خود را آسوده نموده وهم قشون خویش را استراحت بخشید و هم سرداران ملی و قشون ملی را راحت داد - الحق بختیاریان تا آخر قدم بقولی که داده بودند ثابت ماندند که ما برای جنگ نیرویم بلکه برای استقلال پارلمان حرکت کرده ایم - و بر عالیمان ثابت نمودند که هرچه گفتند به عمل آوردند - فعلاً ما کار بگذشته نداریم و بحث در جزئیات را کنار می گذاریم و همین قدر میگوایم که ایرانیان پارلمان را با محمد علی نمی خواستند و عاقبت همین قسم هم کردند - فامین طهران بسنارت خانه های دول اعلام نمودند که چون ملت سلطان احمد میرزای ولیعهد را به شاهنشاهی ایران انتخاب نموده سنرای روس و انگلیس باید ایشان را تسلیم نمایند - سنیر انگلیس این خبر را به محمد علی رسانید و جواب شنید که وصایت مادرش در این امر شرط اعظم است - لذا سنیر انگلیس و محمد علی هر دو نزد ملکه رفته سنیر از جانب ملت اظهار مطلب نمود - در آن موقع هم محمد علی و هم ملکه از بردن ولیعهد بملت امتناع نموده و پسر دیگر شاه را برای حواله کردن حاضر شدند سنیر انگلیس اظهار داشت که چون انتخاب ارحان بملت شده برینچوجه نمی تواند درین امر سحنی گوید و در تسلیم ولیعهد بملت قانوناً مجبور است - از شنیدن این خبر ولیعهد از حدائی والدین شروع بگریه نمود و علیحدگی از مادر خویش را نمی خواست والدین هم از جدائی فرزند به گریه در آمدند و عذر ها پیش کردند و همه را سنیر انگلیس جواب گفت ، عاقبت به تسلیم نمودن ولیعهد بملت راضی شده او را وداع گفته و بسنیر انگلیس دادند

چون این خبر در خارج سفارت خانه منتشر گردید اهالی در صدد پذیرائی بر آمده و قرار گذاشتند که برای گرامس شاه باید رؤسای ملت و نائب السلطنه جدید حاضر شوند، روز دیگر علی اصباح همه حاضر و جمعیت زیادی بر در سنارت خانه

موجود بود ، سلطان احمد میرزا گریه شادمانی
مینمود ، نماینده روس بایشان اظهار داشت که چون
و سم نیست با گریه کسی از سنارت خانه بیرون
رود باید اشک های خود را پاک کنید و با دل
خرم از سنارتخانه بیرون روید ، سپس کالسکه
مخصوص که برای ایشان مهیا شده بود سوار شده
و قشون ملی هم تا عمارت سلطنت آباد بدور شاه پره
میزدند نائب السلطنه و سرداران ملی ایشان را پذیرفتند
و بخطاب شاهی یاد ، و تمنای خوشبختی ایران را در
سایه سلطنت ایشان نمودند ، سلطان احمد شاه
بزربان کوچک خود فرمود « انشاء الله امیدوارم که
یک پادشاه مشروطه خواهی باشم و خدمت بوطن
خود نمایم » سپس مجلس ختم گردید ، برای تخت نشینی
وقت دیگر معین خواهد شد ، و قرار بر این شد
که هر وقت ملکه والده شان بخواهند بملاقات فرزند
خویش بیایند مانعی نخواهند داشت ، برخلاف پدر شان
حکومت تازه مشغول درگرفتن اسلحه از اشرار
است و تعیین حکام هر جا را هم می نماید

تعلیقہ جناب آقای سردار محترم بختیاری
(دام اجلالہ مانجمن ولایتی اصنہان)

حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام
آقای ثقة الاسلام و اولیاء محترم انجمن مقدس ولایتی
اصنہان دامت تائیداتہم - بعد از ادای مراسم ارادت
و انبسات خلوص عقیدت بشرف عرض میرساند .
خداوند علی اعلی را که بر ضائر و حقایق اشہاء
واقف و بینا است بشہادت میطلبم کہ از بدو تأسیس
مجلس مقدس ملی قصد و نیت باطنیہ بندہ حب وطن
و خیر خواهی ملت بوده و هست ، و اشخاصی کہ
با بندہ ملاطنت و مہ اشرف داشته گواہند و مہداند
کہ ہرگز قدسی بخلاف انسانیت برنداشته و اقدامی
کہ بر ضد حریت عامہ باشد او بی جہتی موجب
خونریزی شود نموده . کما اینکه دو سال قبل در
داخلہ بختیاری اختلافی روی داد و با وجود جمعیت
مواد نزاع راضی بسک دماہ نشدم ، حضرت بن مصمام
السلطنہ و آقای حاجی علی قلی خان مدظلمہا کاملاً
بر صدق این دعوی گواہ والبتہ تصدیق میفرمایند .
حضور مبارک نیز مستور نیست ہیج وقت راضی
بتقلبات و دروغگوئی و نقض عہد نبوده و نیستم و
شرف خود را در اجتناب از این گونه ذائل مہدادم

و صد هزار افسوس دارم از اینکه در این موقع کہ
بایستی آنچه مقدور بود کوشش نمایم بد بختانہ قضای
جهانی و مقدرات آسمانی از آنجا کہ بجاری احوال
برخلاف رصا است بندہ را از اجراء بمقصود
مشروع مقدس باز داشت ، و علت مزاج کہ موجب
اختلال حواس بھکابہ است مانع گردیده نگذاشت
بطوری کہ شاید و باید برای انجام این خدمت
اقدامات صادقانہ کنم . زیرا کہ تمام اعضاء بدن
مجروح بود و قادر بحرکت و سواری نبودم . مہلکہ
است از شخص علیل جریح خدمتی بشایستگی ساختہ
نیست چنانچہ میخواستہم بدون اقدامات شخصی خود ،
این خدمت بزرگ را بمرہدی دیگران واگذار کہ
ترسیدم بمبادا اختلال امور داخلی روی دہد و
باعث خانہ خرابی دو فامیل بزرگ و بریادی تمام
خیالات و مقاصد عمدہ و بیشتر مانع انجام چنین خدمت
مقدس شود . لذا بہتر آن دانستم کہ مشغول بمعالجہ
امراض جسمانی در رفع موانع و عوائق روحانی
شده اسباب و لوازم این خدمت نوعی کہ شایستہ است
فراہم آورده با تمام قوی از روی قوت قلب بدور
دغدغہ خاطر شخصاً حاضر اجرای این مقصود شوم .
بعضی موانع دیگر نیز در کار بود کہ بایستی بہرود
دفع و رفع شده با جمعیت حواس بتوان اقدام در
یشرفت این آرزو نمود . لذا جناب میرزا مسیح خاں
ناظم الاطباء را زحمت داده بمعالجہ و استعلاج امراض
جلدی پرداختہ و ضمناً تربیبات و لوازم این کار ر
مہیا کردہ و عازم بودم کہ در این بین تلگراف
جانسوز خانہ بر انداز تبریز مبنی بر تعذبات واجحافانہ
خارجہ رسید

ای کاش کور شدہ و چنین خبر موحشی ر
ارجاع بصر نمیکردم ، شرط وطن پرستی مہربح کشند
کہ بصرف قوای شخصی ایستادہ تا آخرین نفس جاں
بر کف بکوشیم و تن باین ورطہ ہائل ندادہ شرف
ملیت کہ تحصیل تاریخی ما است از دست ندهیم ،
بیشتر از بیشتر ضرب المثل و سنگ ملل عالم نشویم
اینک فضل الہی شامل شد . اسباب موجود ، مواہ
منقود . بصرف ہستی از روی حقیقت نہ ہوا و ہوس
و خود پرستی متوکلاً علی اللہ برای موافقت و ہمہساز
حضرت بن اجل مصمام السلطنہ و آقای حاجی علی قلی
خان دام اجلالہ اللہی مراقت و ہمہساز و موافقت

چشم‌باز اجل ستار اشرف برادر گرام خود ادای
قرضی را ~~که~~ بر ذمه وطن دوستی داشتند بعهده
گرفته بدون شائبه ریب و ریا خالی از تملق و نفاق
بی‌مباله و اسرار جان بر کف نهاده

(یا بر مراد بر سر دولت نیم یا)

(یا مرد وار در ره ملت دهم جان)

امیدوارم بنصرون العذر عند کرام الناس مقبول
عذرم پذیرفته آید و عن قریب حضوراً برائت ذمه
حاصل کرده بتلاقی مافات اقدامات مجدانه صادقاته
حاصل گنم. مستدعیم عن عبارات و مقرر فرمایند
محض رفع اشتباه بعضی مشبه شدگان درج حراند
مقدس ملی نمایند ~~که~~ موجب مزید افتخار شود
چون زمان شریفیای نزدیک است زیاده تصدیق نمیدهد
ایام افاضت مستدام باد (اعلام حسن)

ترجمه اخبار نیویورکیا

اخبار نیویورکیا مینویسد « اگرچه احرار و
سرداران بدون هیچ دستوری نابت بوده اند قوه
خود و دانش در ماملات پلیدی را ولی باید دید
که در معرفی استقلال خود چگونه مادیول همجوار
پیش خواهند آمد

اینکه بگویند دولت روس طرفدار محمد علی
میباشد اداً قریب صحت نیست - اگر حکومت جدید
ایران نیکو از عهده اصلاحات مملکت برآید دولت
روس خیلی خوشوقت خواهد شد چه محض قرب و
حوار ذمه داری او در جنبه جان و مال خارج مرتفع
خواهد گردید و ابداً دولت روس مائل نیست که
خود را شریک کند در امور داخله ایران و این
مسئله عدم مداخلت ما تا آخر برقرار خواهد بود -
چیزیکه ما از ایران طالب هستیم انتظام مملکت و اهمیت
طریق است تا بتوانیم رشته تجارت را محکم بمانیم

ترجمه اخبار کلوکنی گزت

(کلوکنی گزت) آلمان در برلین بطریق رسمی
رسمی مینکارد « حکومت جدید ایران را نهایت
اطمینان بخش در پترسبرگ و نندن طاهر میدارد از
پیش آمد ایران دولت آلمان خوشنودی خود را
ظاهر مینماید ~~که~~ بخوبی اختتام پذیرفت - زیاده
بازین فرخنده است که بن قشون ملی ایران وقشون
دولت روس جنگ واقع نگردید - دولت آلمان

امید میکند که این امنیت در ایران ابتداء یابد و
تکالیف تازه برای این مملکت پیش نیاید «
روزنامه شریفه سروش

بنسازگی از اسلامبول روزنامه شریفه موسوم به
(سروش) اشاعت یافته که بدون شائبه اعراض میتوان
گفت بهترین روزنامجات فارسی اعم از خارج و داخله
میباشد ، مسلک معتدل و بر حسب اقتضای کنون
یعنی حصه بیشترش دستورالعملهای سیاسی ادبی و
اخلاقی است که امروزه ایرانیان را اشد ضرورت میباشد
اوراقش در هشت صفحه بزرگ که قابل همه گونه
نکارشات و مباحثات است ، کاندیش اعلی ، حروش
تازه ، عبارتش ادیبانه ، هفته یک مرتبه بطبع میرسد .
با اینکه نکارنده آن آقا میرزا علی اکبر خان دیر
صور اسرافیل است که مطلع بمقتضیات وقت و عارف
به نکات اخبار نگاری است قلمی بسیار شیرین و طرز
بسیار مرتوب دارد ، علاوه بر این بهترین نگارندگان
زبان شیرین فارسی مؤید قلمی ایشان میباشند ، با اینهمه
محسبات قیمتش هم مناسب است هرگاه چند خرید
مانند وی در ایران اشاعت شود امید است رفته رفته
بواقص ادبی و اخلاقی ملت ما را تفاوت کالی حاصل
آید ما درین مقام محض نمونه عنوانی را که اخبار
مذکور در مسلك خود نوشته و یک مقاله دیگر
که مؤید تحریری ایشان رشته تحریر آورده دل
می نمایم هرکس طالب باشد رجوع باداره موصوف
در اسلامبول اوزون چارسو نمره ۳۳۹ بنماید

نقل از روزنامه شریفه سروش

حزب جامعه اسلامی و مرقیب ، یکاکی
عادات و آداب ، قرب حوار ، مشابته ادبیات و
زیدیکی زبان و مالاتر از همه ، همدردی و هم
مسئلهکی ملت ایران و عثمان سبب شد که سران قوم
مردود طرف از چندی پیش نزدیک روابط داتالین
کوشیده و مخصوصاً در این ماه های آخری که پیش
قدمان احرار ایران که پس ارتعاب مجلس مقدس
شورای کبری در آفاق محمله سرگردان بودند .
یکباره بعد از طلوع بیه حریب در مملکت عثمانی
باجتماع در استانبول میل نمودند ، بررگان مملکت
عثمان نیز با آغوشهای کشاده مقدم آنها را پذیرفته
و بار دیگر دمای حقیقتناش عموم اهل ایران را
از این حسن پذیرائی مملو امتنان ساختند .

و چون در این وقت وجود روزنامه که ترجمان افکار احرار ایران و بلکه پس از ائتلاف مابین دولت و ملت ، بعبارت بهتر ایران حـر باشد ، در اینجا لازم مینماید رؤسای قوم و مخصوصاً اعضای مجمع خاص ایرانیان ، هیئت مرکب از نخبه ادبا و فضیلا ملت را برای این کار نامزد فرموده و این بنده را نیز چون بخدمت آن سران دانشمند مأمور نمودند . بنا باصل « سیدالتوم خادمهم » با اسم مدیری و سر دیری سرافراز کردند .

و بی شائبه اغراق میتوان گنت که این اول روزنامه نیست در زبان فارسی که بتزیت شرف وجود این گونه نویسندگان زبر دست که بتقریب با مقالات راقه محضا خود را به خوانندگان عظام معرفی خواهند نمود ممتاز است . و چنانکه پیش آمد مینماید امید است که مصدر خدمات عمده گردیده و گذشته از دفاع حقوق ملت و دولت و سعی در تهذیب و تصحیح اخلاق هموطنان و توسعه افکار عامه بیشتر از همه در اتعاق مابین طبقات مختلفه و اتحاد میان دولت و ملت که تقریباً یکباره مسلک این روز نامه است خواهد کوشید

بمونا الله و حسن توفیقه

علی اکبر ده خدا

انجام انقلاب ایران

مسئله ایران اکنون بدوره داخل شده که نمی توانیم اهمیت و وخامت آن را از خود مان پنهان بداریم . مسئله ایران از سه سال باینطرف چنان اهل خود ایران را بیتاب و بی توان و کار های داخلی کشور را چنان مضطرب و دردم آجانب را در حل و عقد آن واله و مضطر گردانیده که اکنون وقت آنست که از خود پرسیم که کی و چگونه این هاله کبری که افاس زندگی ما را بریده و اطراف مملکت را با یک سحاب ثقیل بدبختی از چهار جهت احاطه کرده از سرما بر خواهد خست ؛ مسئله ایران که یک دمل فاسد شصت ساله بود که اکنون سرش باز شد آیا به بیشتر کدام جراح چابک دست آفاق خواهد یافت ؛ مسئله ایران که حالت بیداری قومی است که پس از زدن آفتاب از خار مستی چرس و بنک می خواهد بپوش آید و دست و پای بجنباند ولی بر سر پا خاسته نخواست

چون توانی در کالبدش باقی نمانده باز بر دور خود چرخ می زند و بیفتد ، طی این ایران که مریض است بداروی منبه کدامین طیب حافی از سر نو بهبودی خواهد پذیرفت ؛ مسئله ایران که نقطه احتیاط افکار منوره تمدن باخرافات سبده ساله عادت کرده است و میدان تاخت و تاز روشنائی با تاریکی وجدالکاه طبع سلیم (آریان) با مزخرفات وحشت خیز مال دیگر است آیا کی بقلبه کامله یزدان آریانی برترهات امریعی بانجام خواهد رسید ؛ مسئله ایران که در این قرن بیستم افرنجی که اروپائیان را دیگر آب و نان از اروپا بریده است و شیلان بزرگ در خطه وسیع آسیا برای هد دیگر کشیده اند ، در بزرگ اطاعی بر تنگچشان جهان باز کرده است به تدبیر کدام سیاستدان کار شناس از میان برداشته خواهد شد ؟

آری ، این سؤالهای ماتاماً بیجا و بهنگام است . زیرا که آلودگیهای ایران نه تنها از راه سوء سیاست و یا استبدادست بلکه ما کلام را منحصر بدان نقطه بداریم و ملاحظاتی خودمان را در آن دائره محصور بداریم . ایران به درختی می ماند که برگ و بارش ریخته ، گرمهای شیره کش به بوستش افتاده ، تزار و افسرده اش ساخته و چون جولان قوای نامیه را در بدش دیگر امکانی نمانده رفته رفته بوسید که بریشه نیز سرایت کرده و دوخت تنومند سایه دار را امروز کار بجائی رسانیده که نزدیک است از پایه در آید . کجاست آن باغبان دانا که امروز بدون خشکانیدن به این شاخ تزار و بی توان با تدابیر عاجل و شافی بار دیگر القاح تازگی و طراوت کند ؛ طی ، حرف حق همیشه تلخ بوده و لیکن مرد آنست که چنین سخنی را بنوشد و منته شود و بکار برد عرض کردیم که مرض ساری بریشه نیز راه یافته است . و تمامی آن مصائب و ممالک که از ظهور آنها می ترسیم پیش جز این نیست ،

اگر از سه چهار سال باین طرف قسمی از علما که در ایران همیشه مرجع و متقصد عوام اند همراهی با افکار و حرکات شاه بد خواه مردم آزار نمی کردند و فرقه از متعزین درباریان و ملاکان در ایقاد آتش استبداد با پادشاه ستم اعتقاد همدست و یار نمی شدند و برخی از وکلای خود ملت را این گناهی

نخست که پیش هیتیک و جنائی سلیم آهزیده نخواهد
 شد و قطعه سها لفق هیتکی بر یشانی ایرانی خواهد
 گذاشت (خیانت بامانت نمی کردند و راه فغان و
 هچمی نمی بویندند و بهوای اشهار و ریاست نمی افتادند،
 کار ایران امروز باین درجه محتل نشده بود اگر
 ملت عالم و دانا بکار خود می بود در مدت دوام
 یارتت از حریف غافل نمی شد و تا اردوی ملی
 تشکیل نداده و پشت خود را قوی نکرده بود در
 صدم قصر و تنزل مخصصات شاهی بر نمی آمد . و
 تا از درجه مقاومت خود در برابر يك اردوی
 روسی امین و مطمئن نبود مسئله انحصار قند و چائی را
 مطرح مذاکره نمی کرد . راست است که بر موجب
 حقوق مؤسسه بین الدول هیچ دولتی حق مداخله
 در امور داخلی دولت دیگر ندارد و لیکن این حق
 تا زمانی مجراست که دولتین از همدیگر بترسند و
 قوه مقاومه یکی معادل قوه دیگر باشد ، اما چون
 کتبه ترازوی تساوی و توازن در قوت عسکری
 اندک تمایل بطرفی کرد آنگاه دیگر حق و یا ادعای
 جز (الحکم للعالم) در میان نمی ماند ، و طرفی که
 زیر دست و فیروزست دلخواه خود را با سر نیزه
 و زبان شمشیر به رقیب خود تلقین می کند . تاریخ
 دنیا تا کنون هزاران مثال از این عهد شکنیهای
 قانونی و وحشتهای مدن و مداخله های بیطرفانه و
 فتوحات دوستانه با نموده . و تاریخ نیست مگر تکرر
 حادثات متشابه و تجدید سلمات یکسوق . باید هشبار
 بود و از آنها عبرت گرفت

(بند گیر از مصائب دگران)

(تا نگیرند دیگران ز تو بند)

ولی انوس که همواره ما عایه عبرت آیندگان
 خواهیم شد و تیغی از ندقیق احوال گذشتگان و
 همجواریان حاصل نخواهیم کرد .

(بهارك) که یکی از کله های بزرگ سیاست بود
 و در مدت ۲۰ سال تمام کشتی ملت آلمان را از میان
 طوفانهای جهان آشوب وقایع سلامت و موفقیت تمام
 گذر داده در بندر نجات رسانید ، روزی در حین
 ایراد لفظی منصل از جانب یکی از خطبای سیاسی
 در (رایخستاغ) آلمان از درازی سخن و بلاغت
 بخرج دادن خلیب دلتنگ شده رشته اختیارش را
 چپ دست رفت بر سر پا برخاسته کلام گوینده را برید

و گفت .. (آقایان - بدانید که مملکت هارا آهن
 و خون در جای استوار می دارد نه نطق و سخن)
 این کلامی است تاریخی (بهارك) تا زنده بود
 ازین مسلك دمی انحراف نوزید و سبب وقوع سه
 جنگ بزرگ در اروپا شد و تخت سلطوت آلمان را
 بجای سنگ و آجر با خون و آهن تقویت داد .
 امروز ایران محتاج چنین وزیرى است که رابطه
 ملت مظلوم روگردان از سلطنت را با خانواده
 حکمرانی مشید کند و شمل ایرانیان برآکنده را
 جمع نماید بواسطه تألیف منافع ملت و دولت در یک
 مرکز سلامت (زیرا که در ایران اقوام و قبایلی
 هستند که دوام حالت مشوش امروزی را برای
 تأمین فوائد شخصی و چیاول میخواهند) تا ایرانیان
 در پیش استیلاى اجاب مانند بیان مرصوص وسد
 سدید بایستند وسینه بهجات روس و غیر روس سپر
 کنند . و یک اهتزاز بادی از جا در نروند و بمحض
 شنیدن وعده حادثه از هم نباشند ، پیش صدمات
 غیر مترقبه دنیا محکمتر از باروی چین مقاوم
 و متین باشند .

اگر بار دیگر بخت مساعدت کند و ایران
 بامید کیکشته خود رسد واجلائی که بدور گذشته
 سلطنت ایران مادم خس و حار پیچیده اند برآکنده
 شوند و همسایه های شال و جنوب همراهی نمایند
 و مجلس ملی باز شود باید با چهار دست قدرصمت
 باز یافته را داست و با چهار بلکه چار صدچشم
 بروش حوادث نگران بود و آبی عالت نکرد و
 همیشه چنان انگاشت که دشمنان در کبراید ومدعبان
 گوشه نشین . در آغاز کار باید اسباب امور را
 با کمال احتیاط و حزم گردانید تا اندک برام افتد
 و مردم را با آن اعتقاد و الت حاصل آید .
 نباید در تغییر قوانین و اصول عادات شتاب کرد .
 هر قانونی که موضوع آن جزو عوائد عمومی نیست
 یابداری ندارد . انگلستان که پیش آهنگ قافله
 تمدن است هیچ قانون از هیچ حای دنیا استعاره
 و اقتباس نکرده است ، مجله قوانین این مملکت
 عبارت از اوامر و فرامینی است که در تواریخ
 مختلف شارعین متعدد بمقتضای وقت و بروفق طبع
 و تمایل ملت در آن کشور جاری نموده اند ، والا
 ملت انگلیس امروز هم در اخذ و قبول قواعد

این بین ابلاغ رسمی هم از جانب سنی‌الجواب
اعلیحضرت اقدس سلطان محمد خامس خلدالله سلطانه
محضرات آیاتالله رسید و طاهر گردید که دولت
روس از ارادات اولیه صرف نظر نموده واعلیحضرت
سلطانی را واسطه ذات‌البین قرار داده که حضرات
آیاتالله را از حرکت بایران و صدور بعضی احکام
باز دارند ، چنانچه از جانب والی بغداد قریب باین
مصون تبلیغ ذیل بمحضرات آیاتالله رسید

▶ تبلیغ حضرت اشرف صدارت علمای

(دولت علیه عثمانی از جانب سنی‌الجواب)

(اعلیحضرت سلطان محمد خامس بتوسط)

(ولایات بغداد بمحضرات آیاتالله محجب)

• تموز ۱۳۲۵

اعلیحضرت اقدس ملوکاه خلدالله دونه بمخدمت
علمای حضریه محجب اشرف جنابان مستطمان آخوند
ملا محمد کاطم خراسان و آقا شیخ عبدالله ماریدران
سلام وافر دارند و تأثر ذات ملوکاه از انتشارات
ایران که مورث تأسیس حاصه شاهانه و حین مسلمانان
اس که از روی قرآن مجید مأمور بحفظ فواید
مشروع یکدیگر اند گردیده

اعلیحضرت ملوکاه نظر بحفظ جامعه اسلامی و
حقوق همجواری همواره استقلال ایران و امنیت
و سعادت آن مملکت را حوهران و میسرمانند دولت
روس عده عسکری که در ایران فرستاده فقط بواسطه
امتداد انتشارش و تضرر تبعه احباب است دولت
روس مخصوصاً به باعالی وسائر دول شفاهاً و تحریراً
ابلاغات رسمی داده که پس از تأسیس مشروطیت
و برقراری امنیت و تأمین اجاب قشون خود را از
ایران عودت خواهد داد

نا و حفظ اخوت و روابط اسلامی که هزاره
منظور نظر ملوکاه است دولتین روس و انگلیس
واسطه این بیان قرار داده و اطمینان داده اند که
اقداماتشان در ایران مبنی بر سلب استقلال ایران
نیست ، برحکومت ایران و علماء اعلام اعاده مشروطیت
و تقویت آن لازم است تا من بعد برای احدی از
دول اجنبیه مقام شکایتی پیش نیاید ، و ما اطمینان
داریم که پس از عود مشروطیت و برقراری امنیت
در مدت بسیار قلیلی دولت روس عساکر خود را
معاودت خواهد داد

تازه بسیار جامعند ، و هنوز اصول اعشری را در علم
حساب که جاری در نزد تمامی ملل دنیا است و
قاعده اخذ عسکر را از روی اجبار که باز مقبول
بیشتر دول است نپذیرفته اند و با وجود رقابت
شدیدی که در تجارت از آلمانها و سائین می بینند
باز از آزادی مبادله مال التجاره انگلیسی دست
بر نمی دارند و اصول حمایت مال التجاره را اختیار
نمی کنند . ضررهای ازین راه را می کشند و
محظورات اصول معموله خودشان را می بینند ، ولی
چون استقلال را در همه چیز دوست میدارند منافع
بزرگ در راه حفظ آن استقلال مالاختیار اردس
میدهند . عرض کردیم که استقلال را در همه چیز
می خواهند ، پس خواهید برسید (مگر استقلال ایران
را می خواهند) . این سؤال مجابست و لیکن
ایشان می گویند که (ایرانیان می بایست استقلال
کشور خودشان را خود نگاهدارند) . خواهید
فرمود که (در این صورت می بایست در استیلا
و تفتیق ایران با روسها همدستان شوند) این هم
واست است . لیکن ایشان می گویند (اگر ایرانیان
امروز بتوانند هم ما را و هم روسها را از ایران
بیرون کنند ما بمنون می شویم و صدائی در میاوریم ،
اما چون باوجود ضعف ایران می توانیم پیشبندی
از مقاصد روس در آنجا کنیم و می خواهیم ا
روسها اعلان خصومت مائیم ماچاریم از اینکه با آنها
همراه باشیم) . آری ، قواعد طبیعیه خواه در
افراد و خواه در جماعات یکی است و چه در مس
طبیعت و چه در سیاست اثری از صروت نیست .

اگر روزگارت در آرد زجای

همه غالب پای بر سر بند

حسن داش

مکتوب از عراق

شرح هیجان اهالی عراق عرب را از عرب و
عمم ترک دپلم سنی و شیعه در خطوط سابقه عرض
نمود ، همینکه حضرات آیاتالله که کرملایمعلی رسیدند
تلگراف حضرات اشرف عالی سپهدار اعظم و سردار
اسعد مدظلمها در فتح طهران و قلع و قمع ماده
فساد یعنی خلق محمد علی و نصب ولیعهد رسید و
امیدواری تامه در بیل بمقاصد کابیه داده ضمناً نیز
حرکت ایشان را مرهون بوقت خود نهادند ، در

ترجمه از روزنامه طمس لندن ۲۷ جولائی
بر حسب خبریکه در پترزبرگ رسیده شهر طهران
در منتهای امنیت است ، تاکنون روز حرکت شاه
از ایران بروسیه تعیین نشده - و منباب وظیفه او
هم گفتگو جاری است - و هنوز جای قیام وی
در روسیه معین نگردیده است

دزدی از طایفه شاهسون در سرحدات ایران
و قفقاز جاری - ضامنیکه دولت روس از حکومت
حدید ایران در این خصوص طلب نموده تاکنون داده
نشده - این است که دولت روس مصمم گردیده
فوجی برای جلوگیری شاهسون ها روانه دارد

صنیع حضرت و مفاخرالملک که از مشاهیر
مستبدین و در واقعه قتل متحصنین حضرت عبدالعظیم
اقداماتشان ظالم گردید فردا رای محاکمه بحکمه
عدایه شان خواهند آورد

۲۸ مینویسد - اخبار توهمات بختیاریان در
طهران سبب گردیده که بعضی از طوایف دیگر هم
به رنجی خیالات افشاده - چنانچه طایفه قفقازی نیز
باراده تصرف شیراز حرکت نموده اند -

رسماً اعلان رای انتخاب وکلای طهران داده
شده ، سردار اسعد وزیر داخله ایران اظهار داشته
که مجلس مبعوثان تا یکماه دیگر تکمیل خواهد
پذیرفت - این نوبت انتخابات بر حسب قانون جدیدی
که شاه مخلوع بنازکی ترتیب داده خواهد شد

افواه است که محمدعلی برای قیام خود (کریمیا)
را بنده و در آنجا عمارتی برای او تدارک
نموده اند که ملک شایسته است ، احتراماتیکه برای
او در آنجا مقرر خواهد بود احتراماتی است که
در حق یک از شامرادگان خارجه مرتبی می شود
۳۰ جولائی مینویسد - مفاخرالملک که زمانیم
وزیر تجارت ایران بود و صنیع حضرت در استطاق
عدلیه مجرم شده صنیع حضرت را طناب انداخته و
مفاخرالملک را هدف گلوله ساختند

معلوم می شود که حکومت تازه ایران پانزده
هزار لیرا منظور نموده که سالانه وظیفه به شاه
مخلوع بدهد مشروط بر اینکه جواهرات سلطنتی که
زده اوست بموجب فهرستی که در دست است
اداره حکومت به او بازدهد - چنان مستفاد می شود

محمد علی نیز مائل بدادن جواهرات شگفته و به
نایندگان حکومت جدید که در سفارت خانه روس
آمده بودند خیلی از جواهرات را تسلیم داد که منجمه
آن دریای نور و کرة مرصع بجواهرات گران بهاست
ولی بنا بر فهرستی که در دست حکومت است هنوز
مبلغ زیادی از جواهرات که قیمت آن قرب هفت
ملیون لیرا میباشد نزد شاه مخلوع باقی و حکومت
طلب مینماید - پس از سپردن جواهرات فیصله
وظیفه و روانگی او خواهد شد

مفاخرالملک حین محاکمه عدلیه نوشته از شیخ
فضل الله ارائه داد که قتل متحصنین حضرت عبدالعظیم
را حکم داده بود

وقتی شیخ فضل الله را بعد از محاکمه بنص
گاه آوردند ریسان دار را بوسیده و گفت این
است سزای من که دنیا را باخرت و حق را
باطل اختیار نمودم

تلگرافات روتر جامع ایران

(۲۲ رجب - ۹ اگست)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که تدارک
حرکت شاه از ایران ۱۷ اگست بدین شرط
معین شده که سالانه پانزده هزار لیرا وظیفه برای
او برقرار آید (باز هم حیف از یک لیرای آن)

(۲۳ رجب - ۱۰ اگست)

بموجب تلگراف مخبر روتر میر هاشم را که
یک از ملامهای مستبد بود در طهران طناب انداختند

جبل المقدس

میر هاشم ملای کنام محله شتربان تبریز بود و
در آغاز مشروطیت محض جلب شهرت خویشتر را
مشروطه خواه جلوه داد - همینکه مورد توجه
مخصوص محمدعلی بدربار استبداد گردید بنای شرارت
را نهاده قبل از وقته میدان توبیخه باشا دربار
اختلاف محلاتی در تبریز انداخته و مرتکب چندین
خونریزی ناحق گردید - از آن بعد که مجلس
مقدس را بتوب ظلم و عدوان مهدم ساختند بیری
مخافتت در تبریز بر اثر اشته با میرزا حسن معروف
به مجتهد تبریزی برخلاف انجمن ایالتی انجمن اسلامی
منطقه و اشرار را دور خود جمع نموده و فتاوی
شده با انظار الله دادند -

همه خونریزی و جنگ خاکی دو شهر تبریز گردید همان ایام ابن تلگرافانی که میر هاشم و میرزا حسن و غیره بدربار باغ شاه نموده بودند در جبل المین درج نمودیم، پس از آنکه احرار تبریز غلبه نمودند و محله شتران را بقبضه خود آوردند میر هاشم و میرزا حسن و تابینشان فرار بطهران و در دربار استبداد مقرب السلطان گردیدند و همه روزه راه نائی به متبذین کرده اسباب انقلاب مملکت و قتل نفوس مسلمین را فراهم میکردند تا اینکه عاقبت میر هاشم بسزای خویش رسید - میتوان گفت که صدمه میر هاشم به مشروطیت از امیر بهادر و امثال آن کم بوده و بدون شبه خون چندین هزار نفوس زکیه بر ذمه او تعلق گرفته است

(هرکس که راه دارد و بیراهه میرود)

(بگذار تا بفتد و بیند سزای خویش)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که شاهزاده ظل السلطان را احرار در رشت نگاهداشته جرمانه از وی طلب می نمایند - ایالت عین الدوله را چون امالی فارس منظور نموده کابینه وزراء هم منسوخ نمودند

جبل المین

بعوج تلگراف مخصوص ما که از رشت رسیده کینه ستار شاهزاده ظل السلطان را از حرکت بطهران جلوگیری کرده - گشتگوی جرمانه را که مخبر روتر مینویسد بی اصل است - کینه ستار انجمنی است که میتوان گفت علت العلل جمیع سعادت های ایران گردیده - انتظامات گیلان تمام در قبضه اوست و بشرف کار احرار گیلان بواسطه همین کینه میباشد مطلقاً است کینه ستار محض حصول اجازه از طهران جلوگیری از شاهزاده ظل السلطان نموده باشد و یا اینکه مصالح خیریه دیگر برای ملک و ملت مدنظر داشته اند که هنوز افشا شده است

(غره شعبان - ۱۸ آگست)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که (دارکتری) هیئت منتظمه مرکب از ۲۰ نفر که حضرات سپه دار اعظم و سردار اسد هم در آن شامل اند تشکیل یافته که ناظر باشند بر اعمال و حرکات وزراء

جبل المین

هر قدر از سیاست و درایت و کجاست حضرات

اشرف عالی سپه دار اعظم و سردار اسد تجدید شود کم است و این تدبیر برای ترقی ملک و ملت سرآمد جمیع اقدامات ایشان است. ارباب تاریخ میدانند که بعد از آن انتشارات و خونریزیها آنچه فرانسه را از اضطلال نجات داد تشکیل (درکتری) بود که تدبیر به قونسل آف رجنسی هم می شود

(درکتری) فرانسه از پست و هتم اکتوبر (۱۷۹۰) عیسوی مرکب از پنج نفر تشکیل یافت تا چهارم سپتمبر (۱۷۹۷) که عده درکتران به تدریج رسید ، از تدابیر همین (درکتری) بود که فرانسه امنیت پیدا کرده و آن قدرت را حاصل نمود که از حدود خود تجاوز نماید (درکتری) ناپلیون اول را به تسخیر ایتالیا فرستاد بد از آنکه ناپلیون در سال (۱۷۹۹) میلادی معاودت از مصر نمود (درکتری) تبدیل قونسل شد مافوق مورخین ترقی که فرانسه در ایام (درکتری) نمود برتری بر جمیع ترقیات ادوار سائنه فرانسه داشت، امیدواریم که در دوره (درکتری) ابراهیم به ترقیات عمده نائل آید یقین است که قواعد (درکتری) ایران را بر روی شالوده بسیار متین نهاده اند که از پادشاهای مخالف متحرک نگردد

حرکت محمد علی میرزا از ایران تمویق افتاد بواسطه اینکه املاک آذربایجان خود را در مقابل مبلغ هنگفتی به سنگ روس سپرده است - ملتبان سعی و اورا ترتیب میدهند که املاک خود را بحکومت بسپارد تا اسباب خطر دخالت بانک روس نگردد

جبل المین

خیلی مقام تأسف است که هنوز هم محمد علی میرزا از دخالت دادن بخارجه در ایران اعماض می نماید با آن حسن سلوکی که ملت در حق او و خانواده او بوده حالا دیگر باید از خیالات فاسد باز آید و ضدیت با ملت را ترک نماید و برخلاف سلطنت فرزند خویش قدم نرزد، و مطلقاً است که املاک خود را در همین موقع رهن نهاده امید داریم ملتبان نگذارند که خارجه تصرف در املاک او نماید و او هم راضی شود که املاک را بحکومت حاضره بسپارد و کان نداریم که دولت روس هم تا این اندازه رضا دهد که مأمورینش بسبب قدرت ملک ملت بزرگوار را از این فراموش

المبتدیان

تیمبر ۴

HABLUL
4, MEDICAL
CA

اره با

سلام است

- (قیمت اشتراك)
- (سالاہ — شش ماهه)
- (هد و برہ)
- (۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)
- (ایران و افغانستان)
- (۴۰ قران — ۲۰ قران)

مجله المبتدیان
شماره ۴
تیمبر ۱۳۳۵
تهران

ب. اشرف امجدی امدادی زندگان محمد و زهرا - بیدار اعظم و سردار جلیل بقدر علی مدظلہ المعالی



(ہسپارک) و (ایما) ی ایران - رندہ کساندہ نام ایرانیان باستان استقلال بمشغله شدت کان - می التریعہ امیر ابن الامیر
 این راد مرد (کہ از قامی بزرگ و خاندانی من نجیب و سترک و مرہ ایرانیالش تیکونی می شامند) از آثار جوانی طبیعی آزاد و
 خیالی بلند و عالی پس از چند داشت ' بدوا در خدمات ' ملیہ' نظام در وزارت جنگ رحمتہا کشیدہ و سپس بحکومتہا و ایالتہا منتخب میشدند
 و در ہر حکومت داد عدالت و انتظام میدادند - و در تعمیرات معکی میل مفرط داشتند
 اول کسیکہ بر مخالفت فروشدہ ایران میرا علی اسد خان امین السلطان عملاً قد مردانگی ہم کرد و کمرکان ایران کہ قبلاً
 موروثی او شدہ بود منہایت نمودہ از چسکش بدر آورد همین وجود ظهور بود - و از همان اقدام ایشان سلطوت و جبروت امین السلطانی در ہم
 شکست تا حالت ہناک سپاہ نشست
 در دورہ مشروطیت از رجال دربار و امراء کبار کسی کہ با سفق اول و صفاء قلب در مجلس مقدس آمدہ از مسیم دل قسم یاد نمود
 و ہوا دار مشروطیت شد همین ذات والا بود - و بصحہ مجلس ہسرکوی تراکہ بہ استراخاد مأمور شدند
 نظر بر اینکه پانزدہ سال است این خادم اسلامیت را با شخص شخیصش رابطہ معنوی و محبت قلبی بود ہمیکہ از جانب حکومت باغ شاہ
 مأمور ہستند تہریز کردیدند با امنینان و مسری بی ادارہ چنین تشرکاف بمصرتش نمود (ہاسمج - حضرت سپدار اعظم - امروز نام تأمیت بصحرت
 خواہی و حامی مظلومین سر - خود بہتر میداید کہ عذاب مظلوم اسب - کر زجر ہمیکہی وقت است وقت - مؤیدالانام)
 وضع سلوک حضرتکی یا تبریزیان و اوقی کہ با آنان بشغورند لازم بشرح و بیان نیستہ - و از ہمیں بود کہ مصبوب ادارہ استناد کردیدہ
 مدنی در (تنکابن) کہ مولدشکل است توقف و در تدارک و تیبہ احقاق حقوق ملی بودند - سلوک حرمت پرورانہ شان در تبریز پر جسارت
 فکارتہ افزودہ آتجا ہم کن وجود محترم را ہیج ہفتہ آسودہ نمیکذاردم تا اینکه مسئلہ انقلاب کیلان و حکومت ملی ایشان کہ شرحش طولانی
 و کتابی را در خور است پیش آمد
 ہمیکہ مایوس شدند کہ دربار استبداد با خیالات ملی ہمراہ ہمبہاشد مصمم در قبضہ طهران شدند تا فتح قزوین کہ دروارہ طهران است
 ازکان استعداد را در ہم شکست و بناچار اعلان مشروطیت و بر قراری قوانین اساسی را دادند
 در سیاست و عقل ودالش این یکانہ عصر معنی پس کہ بآن ہمہ نکتہ چینی ہستایکان تا امروز شوالسنہ اند پرهیج یک از القامات
 ایشان نکتہ چینی نیابند - و الحق عقول - پاسیون را از حرکات سیاسیانہ متعیر نمودہ اند - تا آنکہ با کمال اہت و اجمال با حضرت اشرف سردار
 اسد و ارہوہای پشتیباری توأم ورود بطهران و یک دفعہ استبداد را از بیخ و بن رکندند کہ شرح ہر یک از اقداماتشان در موقع خود
 ذکر شدہ است و ما می بینیم کہ تا ایران قائم و ایرانیان عالی اند در تاریخ ملی این وجود محترم و فامیل جلیل شان را احیا کفندہ ایران و
 نمودن معنی استقلال ایرانیان ثبت خوانند نمود
 گنجا مقدسہ کہ زبان ملت و آئینہ خیالات ملی ایران است لزجالب ملت محبوب خود با ہزاران زبان عرائش متشکرانہ بہ پشتکاد حضرتکی
 کلیم نمودہ با واژ ہلاد ہیکرہ (زندہ باد سپدار اعظم استقلال پندہ ایران)

و مائت انجمنهای ایالتی و ولایتی
هیچ نمیتوان اسکار کرد که در دوره اولیه
مجلس مقدس عالی انجمنهای ایالتی و ولایتی بومائت
خویش عمل نه نمودند گویا علت انعقاد انجمن را
مخالفت با حکومت محلی و یا بهیجان آوردن ملت در
حین محافظت دربار می پنداشتند آهم زمانی نه عملی ،
این بود که در موقع اهدام مجلس جز ملت تبریز
اعالی هیچ يك از بلاد یا از دائره اقوال شدیدانه
خود بیرون نگذارد

قول يك از حراند اروپا « اگر اعالی ایران
در موقع اهدام مجلس صد يك آنچه گفتند عمل
میگردید شاه مقتدر ردم مجلس نه میگردید » و اگر
گفته شود هم اقوال و افعال انجمنهای ایالتی و ولایتی
وکلای مجلس را مطن نوده و هماها سبب اهدام
مجلس شدید سعی ، زاف گفته ایم ، چه اگر وکلا
میدانستند که اقوال اعصای انجمنهای ولایتی و ایالتی
تمام حالی از عمل و هوایست که از فضای دهانشان
خارج شده شامل دروای محیط گردیده و سحنی است
که رماشان گفته و کله شان خبردار نگردیده و
هیچ ترتب اتوری بر آن نیست پتیناً تا این درجه
بی می نوردید و کار نامحاده می کشید

چه نامر بود که طهران مرکز و جمیع قوای
استبداد در آنجا جمع است یکصد و اند در وکلای
بی دست و بی سلاح با این قوای عدیمه مقابله
تواند کرد تمام پشت گرمی و اعتماد وکلای مجلس
مقدس همراهی و هوا داری انالی سایر ملدان و وکلای
انجمن های ایالتی و ولایتی بود ، یکی از دیپلماتهای
فراسه که در موقع اهدام مجلس در طهران بود
مینویسد « اگر شاه نه تو حالی بودن التماط تلگرافی
سایر بلاد اعتماد داشت هیچگاه اهدام مردم مجلس
نمی نمود ، عجب ترا سکه بخرد مردم مجلس بدون يك
که سوال و جواب انجمنها دست از کار کشیده هن
دست کشیدن انجمنها از کار سبب سکوت بلدان و
اسباب حری شدن شاه گردید . و هرگاه انجمنهای
ولایات که بدون هیچ مانع قوی بودند سه روز
استقامت میورریدند شاه ماین خیالات دور و دراز می
اوقات و در آن صورت دول خارجه هم صد می آمدند
حالا باید دید که عیب در کجا بود ، عقیده ما
عیب در دو موقع بود ، اول سبب عدم التفات ملت

بر اینکه وکلای انجمنها را و مائت چیست . غالباً
حرفهای مهمل و لغظیهای بی معنی را دلیل بر لیاقت
پنداشته هان اشخاصی را انتخاب نمودند که ابدا از
مباحث التماط یا بیرون نه نهاده و معنی عمل ندانسته بودند
دوم - وکلا هم که وظیفه خود را جز لغالی
نمی پنداشتند ، يك جبروت و ریاست سختی بر خود
انزوده تمام هم خویشرا مصروف بر این قرار میدادند
که بر فلان مأمور دولت که هماره بر ما بزرگی میکرد
حکومت نمایم ، بیفی و براتقه اعصای انجمنهای ایالتی
و ولایتی در دوره اول مجلس نه تنها هیچ خدمت
نه نوده بلکه ابداً و مائت خویشرا شناخته بسیاری
مزید و هرج و مرج ولایت گردیدند

قبل از آنکه اشاره بومائت انجمنهای ایالتی و
ولایتی نمایم از بیان يك نکته نیز ناچاریم و آن این
است که امروز تباری بن ملت و دولت باقی نمانده
قوای ثلاثه مجریه و مقننه و قضائیه همه در يك مقصودند
و جز رفاه ملت و اصلاح مملکت و ترقی سلطنت
هیچ مذوری ندارند و این هم حاصل نمی شود جز
بکون ملت و آرامی مملکت و رفع هرج و مرج
از آن میتزسیم که اگر اعصای انجمنهای ایالتی و
ولایتی مانند دوره اولیه و مائت خود را شناخته
مزید هرج و مرج گردید قوای ثلاثه مملکت متحد
شده یا وجود انجمنهای ایالتی و ولایتی را مهمل
قرار دهند و یا از اقتدار و مائت آنها بکاهند ،
بزرگترین اصول مشروطیت این است که هرکس در
دائره و مائت خود قدم زند قوه مقننه در حدود
اجرائیه و قضائیه پا نگذارد و هم قسم است قوه
اجرائیه و قضائیه که نباید در امور یکدیگر دخالت
نمایند و هیچ چیز در مملکت اسباب هرج و مرج
باندازه تجاوز از حدود نتواند شد

پس ازین بیان میگوایم که و مائت انجمنهای
ایالتی و ولایتی فقط سارت بر اعمال حکام و ادارات
است باین معنی که هر اداره از معارف و بلدی و
سلبیه و عدلیه و تجارت و پست و تلگراف و کربک
و غیره و غیره باید بر حسب قانونیکه از مرکز بدست
او داده شده بدون ذره کم و بیش رفتار نماید و
انجمنهای ایالتی و ولایتی ما را بر آنها دستند که از
حدود قانون تجاوز نه نمایند و اگر افراط و
تقریری در اداره ملاحظه شود با حکومت و اعصای

از اداره مشاوره نموده رأی فیصل را بدارالشورای
 را اطلاع دهند و نگذارند خرج ترانی‌های بیجا
 شود و حکومت و رؤسای اداره جات نتواند در
 صارف فوق‌الحد که پیش می‌آید تا وقتی باعضای
 اعضای انجمنهای محلی نرسیده کین‌ما شاء عمل نمایند
 انجمنهای ولایتی و ایالتی را وظیفه این است که
 راقص‌ادارات را برحسب مقتضای محل تکمیل نمایند
 مثلاً یک شعبه عدلیه در شهر کم است دو شعبه قرار
 دهند، ده مدرسه کم است بیست مدرسه نمایند، یک
 ستخانه یا تلگرافخانه کم است دو نمایند، یا اگر زیاد
 است کم نمایند آنهم نه باختیار خود، باید بعد از
 تحقیق از ادارات و حکومت و بحث کامل و کثرت
 آراء اعضای انجمن مدلل و واضح به دارالشورای
 رجوع تا دارالشوری بآن وزارت مراجعه نموده
 توضیحات بخواهد و تصفیه تمیل و عدم تمیل آن در
 دارالشوری می‌شود و اگر قابل‌الاجری باشد بتوسط
 همان وزارت و همان اداره بموقع اجری می‌آید، و
 نرضاً حکومت یا یکی از اعضای ادارات رسمی خیانت
 کرد اعم بر اینکه آن خیانت گرفتار رشوه باشد یا
 فعل در اجرای مواد قانون بازم وظیفه اعضای
 انجمن آن نیست که مردم را باو شورانده اسباب
 هرج و مرج فراهم نمایند و یا او را از سرکار دور
 دارند باید تحقیقات خود را مدللانه برطبق قانون مرتب
 داشته به دارالشوری رجوع کنند و منتظر صدور
 حکم از مرکز باشند

و کلاً میتوانند تحقیق نمایند که عده توجیحی و
 سرباز ساخلوی تمام است یا نه، آن چه دولت میدهد
 بافرااد میرسد یا خیر، همه قسم توضیحات را از رئیس
 قشون و تحقیقات را از خارج و داخل میتوانند نمود
 ولی اگر سرباز دزدی کرده تحقیق و حکمش راجع
 به محکمه جنایات است، اعضای انجمن حق دخالت
 ندارند مگر در صورتیکه اداره راجعه بر آن بوظائف
 قانون خود عمل نه نموده باشد آنوقت هم از آن اداره
 توضیحات بخواهند نه اینکه دزد را گرفته حبس نمایند
 دو امر را ما از وکلای ایالتی و ولایتی استدعا
 می‌نمایم، اولاً آنکه مانند دوره اولیه با حکام و
 رؤسای ادارات نساژند و انگشتر گردان آنها نشوند
 دوم و سهولستی را کنار گذاشته مرعوب این و

آن نشد، خدا را حاضر و ناظر داشته بدون هیچ
 غرض و مرض از گفتن کلام حق امتناع ننمایند
 حق را بگویند ولو امروز پیش نرود چه کلام حق
 ولو ده سال بعد هم باشد اثر خود را خواهد بخشید

لا یلدغ المؤمن من جحر مرتین

بزرگترین و ظالم‌ترین ملی آن است که بمصدق
 حدیث شریف فوق در عمل خرابیهایی دوره اولیه
 مجلس شور و تأمل نموده تا مجدداً مبتلای بآن عمل
 نگردد، باتفاق جمیع دانایان امتزاج و اختلاط امور
 دنیا بدین یا القیاس این دو یکدیگر آهم بدست مردمان
 نا اهل مورت خرابیهایی عظیم است،

یاد باید آورد که قبل از مشروطیت در حرکت
 علمای طهران بمصومه قم شیخ فضل‌الله معیت داشت
 و در بدو مشروطیت هم خویشی را مشروطه خواه
 جلوه میداد همینکه دید مقاصد او از مجلس مقدس
 حاصل نمی‌شود بنای اختلاط امور دین دنیا و
 القیاس را گذارده مورت آن همه فتنه و فساد گردید،
 امروز هم نمیتوان اطمینان کرد که شیخ فضل‌الله
 نوعی دیگر پیدا نخواهد شد

جاره دفع این القیاس کاری‌ها این است که امور
 دنیوی را بدینی مزوج و مخلوط ننماییم، تا تجزیه
 این امر در مواد راجعه بمجلس مقدس نشود اطمینان
 بعاقبت امور نمیتوان پیدا نمود، بدین معنی که شرعیات
 مجلس بنا بر قانون اساسی محدود و منحصر بهمان پنج
 نفر نواب باشد که در هر دوره حضرات آیات الله معین
 می‌نمایند، و کار آنها فقط این باشد که تمیز شرعیات
 قانونی را بدهند، غیر از آن پنج نفر دیگر احدی از
 وکلا ولو اعلم بر آنها حق این را نداشته باشد که
 بگویند در مجلس این امر مشروع است یا غیر مشروع
 باید دانست که تا هرکس دارای وظیفه خاصی
 شده و از دائره وظائف خویش تجاوز نکند رفع
 هرج و مرج نخواهد گردید، وظیفه وکیل وضع قانون
 برطبق مصالح ملک و ملت و نظارت بر وزارت،
 وظیفه پنج نفر نواب حضرات آیات الله تمیز شرعی
 و غیر شرعی آن قانونیست که وکلا وضع می‌نمایند،
 اگر بنا شود وکلا در شرعیات دخل و تصرف نمایند
 ولو بجهت مستوجب باشند، و یا نواب پنج گانه از
 حیطه اختیارات خویش بیرون رفته در اساس

شروطیت و مجلس بخواهند دخالت کنند همان بساط اولیه بلکه بالاتر از آن پیش خواهد آمد ، تمام خرابیها در خلط مبحث و عدم وظیفه شناسی میشود ، جیتی که استبداد مایه اضمحلال میشود این است که يك نفر شاه یا صدراعظم راتقی و فاتیق کایه امور مملکت و ملت می شود و در حقیق ادارات و وزارت خانه ها تصرف می نماید ، همان اختلاط و عدم تجزیه امور مورت اختلال میگردد

این درین دوره باید وکلای عالم بدانند که ابدی حقی دحالت در شرعیات مجلس نخواهند داشت و شرعیات مجلس فقط راجع به نواب پنجگانه خواهد بود ، هرکس از اوضاع دوره اولیه مجلس واقف باشد میداند که تا چه اندازه عدم وظیفه شناسی وکلای محترم مانع از پیش رفت کار بود ، بعضی از وکیل ملاما چنان تصور کرده بودند که وظیفه وکالت ایشان فقط هدایت مردم است بشرعیات ، شک نیست که وظیفه عالم همین است و حزاین نیست ، ولی تا وقتی که ایشان در مجلس مقدس اند فقط باید بوظایف وکالت خود رفتار نمایند و ربه موکلان ایشان میتوانستند بدون اینکه ایشان را وکالت پارلمان بدهند کسب تکالیف شرعیه را از ایشان بمانند ،

هم قسم اند علمای محلیه تا وقتی که وکالت از حاب ملت ندارند نباید دخالت در امور عامه یعنی مجلس مقدس یا انجمن های ایالتی و ولایتی نمایند ، اهم ترین وظیفه مجلس مقدس و انجمنهای ایالتی و ولایتی این است که بدو وکلا را بوظایف خویش آگاه نمایند و از ابتدای امور هرکس که میخواهد تجاوز از حدود خود نماید او را بدون رعایت مقبیه بوده هرکس باشد جلوگیری کند اگر در آغاز امر از شبیح فضل الله بدون مراعات و ملاحظه حفظ نوع جلوگیری شده بود نه کار ملت این جا میکشید و به شام کردار او را مان عاقبت وخیم میکشاید ، درین دوره از اول باید رهم این گونه مفاسد را نمود که در آخر پشیمان نگردیم ، عالم باید بوظیفه خود ، وکیل باید بوظیفه خود ، حاکم باید بوظیفه خود ، عدلیه - بدیه - بطمییه - معارف - تجارت - وغیره وغیره هر یک باید بوظایف خویش عمل نموده بدون اینکه تصرف در امور یکدیگر نمایند . و هرکس از هر طبقه خواست که تجاوز از حدود خود نماید

در اول و هله باید دهنه قانونی بر دهن او زد که عاقبت جلوگیری دشوار خواهد گردید و مورت قوت او و تهری دیگران خواهد شد ، در اجرای مواد قانونی نباید خوف از بزرگی شخصی و یا مراعات از شئون نوعی شود و اگر جلوگیری او را مورت زحمت و املاط تصور کنند جلو نگرقتن از وی صدگونه زحمت و انقلاب پیش از آنرا دعوت خواهد نمود ، چنانچه بعد از خرابیهای بسیار دیدیم و محسوس نمودیم ، ختم کلام را باز باین حدیث شریف نموده میگوایم (لا یلدغ المؤمن من جحر مرتین)

بزرگترین اسباب دخالت اجاب در ایران

(رواج بست و تحصن است)

از چندی باین طرف بزرگترین اسباب مداخله خارج در ایران بست و تحصن بوده و اگر درست باریک شویم خواهیم دید که عمده اعتناشات داخله هم منوط به اعتماد و اطمینان بست و تحصن است ، مثلاً فلان تاجر یا کاسب مبالغی مال مردم را بالا کشیده یا فلان شریر آدم کشته و مرتکب جنایات غیر مشروع شده در فلان مسجد و امام زاده یا خانه فلان آقا و سر طویله فلان امیر و وزیر بست نشسته از هر گونه سزا و جزا و قصاص شرعی و ادای قروض خود مأمون می شود ، واضح است این حرکات تا چه اندازه مورت هرج و مرج مملکت و مرید شرارت و شقاوت میگردد

ارچند سال باین طرف این عادت منحوس سرایت نقشون و سنارتخارهای خارجه هم نموده ، یککندفیه ملاحظه میکنیم اقبال الدوله کاشی و سربازانیکه مورت قتل و غارت شهری شده در قوسلخانهای خارجه متحصن و از جمیع گناهان پاک می شوند ، و عمل بست و تحصن در ایران باندازه بی مزه شده که يك دسته توبیجی و يك فوج سرباز هم که چهار روز مواجیشان دیر می شود ترك شرف ملی گفته باسم تحصن زیر بیرق خارجه میروند چنانچه پربروز در بوشهر واقع گردید باندازه این مسئله کسب عمومیت نموده که اعلیحضرت ادورد هقم در موقع تحصن احرار بجواب اعتراضات رسمی شاه ایران میفرماید « بنا برسم و رواج ایران سفارتخانه ما بجرمین پلیدی را بنا داده » و امپراطور روس در اعلان رسمی که در ماده تحصن محمدعلی میرزا به تمام دولت میدهد چنین

لاغر میدارد « بنا بر عادت و رسم ایران سفارتخانه
با شاه را پناه داد »

اگرچه مسئله بست و تحصن با آن همه معایب در
زمان استبداد در برخی مواقع مفید هم واقع شده
و تا درجه لازم بود، چه به قانون درکار بود
حاکم و عدلیه و سزا و جزا ولو بحق هم سزا داده
می شد مگر بر زور و زبردستی بود، ولی امروز که
ملکیت قانونی و عدلیه درکار است بحث و تحصن مورث
هرج و مرج و عدم بشرفت قانون است، در مجلس
اول در ماده بست و تحصن خیلی بحث شد و باطل
او حکم دادند، ولی بواسطه عدم احراز بی نتیجه ماند
و ابداً رسمیت هم پیدا نکرد. چون مجلس مقدس
حکم بر ابطال بست و تحصن نموده و از مواد
قانونی بشار است در احرای این قانون ثبت بذیل
سه امر لازم است

اول تشکیل عدلیه صحیح و مطابق قانون

دوم برای بستن زبان عامه حکم یا فتوای خاص
از حضرات آیات الله نجف اشرف حاصل نموده در
حرمت و ابطال بست و تحصن شرعاً و یا امضای
حضرات آیات الله را بر همان رأی تصفیة شده مجلس
مقدس بگیرند، این محض آن است که عوام مهمل
نمودن بست و مساجد و امامزاده ها را توهین شعار
مذهبی تصور نه نمایند، ولی همیشه حضرات آیات الله
درین موضوع حکم فرمودند جای هیچ حرف برای
احدی باقی نخواهد ماند

چون ازین دو فقره فرائض حاصل شد رسماً و
قانوناً بجمیع سفرای دول مهمل بودن بست که از
مراسم جاریه ایران بوده اعلام نمایند و اعلان رسمی
بجمیع ولایات انتشار دهند که ازین تاریخ و بعد
بست در مساجد و معابد و تحصن در قونسلخانه ها
و سفارت خانه ها قانوناً مهمل است و در هر جا بست
نشینند و تحصن اختیار کنند مأمورین عدلیه حق
دارند که آنان را جلب بمحکمه و در محاکم علنی
استطاق و هرگاه تنصیرشان ثابت گردد بر طبق قانون
سزا دهند

چنانچه ذکر کردیم شرط اعظم پیشرفت این امر
و قبولاندن بخارجیه همان حسن انتظام عدلیه و ترك
سراپات است و بدون اینکه محاکم عدلیه و شبیهات
آن محکمات صحیح قانونی بخارجیه در آید

ممکن نیست که مهمل بودن بست و تحصن را که
از مراسم جزیره ایران بشمار است و کم کم سمت
رسمیت باو داده یا میخواهند بدهند بتوانیم قبولانید
و همینکه درین امر مقضی الرام گردیدیم گویا بهانه
حصه اعظم دخالت اجاب را از ایران قطع نموده ایم
علاوه بر این هرگاه ما انتقام محاکم عدلیه را
بحسن قبول خارجیه رسانیدیم يك از زیاده تیرهای رعایای
اجاب را که مورث بی هرج و مرج مملکت است
توایم رفع نمود، یعنی محاکمات خارجیه را هم در همین
عدلیه با شرایط لازمه فیصله نماییم.

بر ارباب خیرت پوشیده نیست که این نکته که
محاکمات خارجیه با داخله در پیش کار گذاریم و
محاکم وزارت خارجیه می شود تا چه اندازه مورث
هرج و مرج و مزید بر جسارت رعایای اجاب در
داخله ما گردیده و نمایندگان خارجیه تا چه اندازه
بدین بهانه دخالت در امور داخله ما می نمایند، و
همین امر بیشتر سبب گردیده است که رعایای ایرانی
در داخله خود مأیوس گردیده و مرعوب شده و
هراران تومان صرف می نمایند تا يك تذکره رعیتی
از خارجیه حاصل کنند و این امر برای خارجیه هم
نافع است، چه امروزه ایرانیان بواسطه مرعوبیتی که
از آنها دارند با اطمینان خاطر و گشادگی دل و
دست با آنها طرف معامله نمی شوند، ولی هرگاه در
محاکمات درجه تساوی را حاصل نمایند و این رعب
از آنها مرتفع گردد، جوششان با رعایای خارجیه
پیش شده معاملاتشان افزونی خواهد گرفت و طبعاً
این امر مزید بر ترویج تجارت آنها خواهد گردید
و ایرام از هرج و مرج و ایرانیان هم از مرعوبیت
اجاب خواهند رست

خرابی ایران زیاده از رشوه است

(الرائی والمرئی كلاهما في النار)

اصول رشوه یا اینکه باتفاق حکما منحوس ترین
عادات مذموم ابناء بشر و بزرگترین اسباب هرج و
مرج مملکت است و با وجودیکه مقتنبن هر ملت
محض ترك این عادت میشوم قوانین ایجاد و سزاهای
سخت قرار داده اند باز هم بدبختانه حتی در ممالک
متمدنه کم یا بیش رواج دارد، ولی در هیچ جا
مانند ایران این عادت زشت مملکت ویران کن کسب
عمومیت نه نموده و قبحش را نشان نداده است.

سراغ نداریم هیچ طبقه از طبقات ایران را که ذیل دامنه‌شان از لوث این مذموم ترین رسوم پاک باشد ، شاه رشوه بگیرد ، وزیر رشوه بگیرد ، عالم رشوه بگیرد ، تاجر رشوه بگیرد حتی کاسب و فراش و گزرمه تا برسد به حامی و تون تاب ، نه تنها قبح رشوه از ایران مرتفع شده بلکه نگرقتن رشوه لکه بی وجودی ، بی وقوفی - ابله‌ی و ساده لوحی را ظاهر میدارد ، عجب تر آنکه کسیکه در گرفتن رشوه مهارت تام نداشته باشد قابلیت که مصدر کار های بزرگ بشود در او قائل نیستیم

ازین است که در هیچ نقطه از ناط عالم (جز ایران) گرفتن رشوه مایه فخر و مبادات نیست . و اینگونه بالعلی و بدون خوف و هراس داد و ستد رشوه رواج ندارد ، چون قبض از میان برداشته شده در طبقات مختلفه این عادت مذموم باسامی مختلف یاد میشود ، در شاه تقدیمی ، در وزرا پیش کنی ، در حکام صرف قهوه خانه ، در اعصای حکومت شیرینی ، فقط در طبقه روحانی رشوه میگویند و حال آنکه بر ارباب خرد پوشیده نیست که تمام این طبقات آنچه اخذ میکنند بهر کار و اسم باشد رشوه - و حدیث شریف (الرایش والمرثی کلاهما فی النار) شامل حال آنهاست ، فقط اندک قبض که در انظار عامه مانده گرفتن رشوه در طبقه روحانیانست ، ورنه در سایر طبقات گرفتن رشوه مایه خوشنای و بروز جوهر ایباقت و قابلیت است

یکی ارسیا حن اروپا مینویسد . « در هیچ مملکت متمدن ایران شفاهاً دست برای گرفتن رشوه دراز نمیشود و هیچ ملتی هم متمدن ایرانیان قدمعتاد بدادن رشوه نیستند ، در هر طبقه اعم از حق یا ناحق بلا تأمل دستها بکس فرو میرود و بتدری زود از بلیات نجات می یابند که تصورش برای ما اروپائیان که تحت قانون هستیم ممکن نیست ، همان قسم است ابتلای آنها برای گرفتن رشوه که هیچ وقت و سبب در کار ندارد »

بدبختانه این اصول نازیبا باندازه در ایران کسب صومیت نموده و رواج گرفته و قبض از میان برداشته شده بلکه علناً مقاصد خود را اجانب هم در وطن ما بزور رشوه از پیش می برند و اسهل و آسان شقوق را فروخته و بتفسیر خود این راه را

یافته اند ، با اینکه بزرگترین گناهان در عوام اسائیت و تمدن این صفت میشود خاصه درین موضوع مخصوص است و جمیع ملل و دول ذنب لا ینفر می‌شمارند و در ایران مایه فخر و مبادات گردیده ، چنانچه می بینیم و میشناسیم کسانی که حقوق و ضمیمه ما را باجانب داده و صریحاً وطن فروشی کرده و اسلام کنی نموده الآن در میان ما در کمال افتخار زندگی می نمایند و اگر ما رواج رشوه را در ایران سبب همه گونه بدبختیهای خود بگوئیم و این اصول میشود را مزیل غالب صفات مستحصه ملی گوییم سخنی بگزاف و اغراق نگفته ایم

عمده سبب رواج رشوه در ایران آنهم باین وضع مفتضحانه نبوده و نیست جز بواسطه عدم قانون و سزا ، ما نمیگوئیم که در ملک دیگر رشوه جاری نیست ولی باین آشکاری و افشاح ، تا این درجه رسیده راتق و فاتق جمیع امور باشد نیست ، خصوصاً در مواد بوعیه یعنی رشوه گرفته بملک و ملت خود خبیات نماید که حکم البادر کامله را دارد و هیچ سبی ندارد جز برای رشوه دهنده و گیرنده من و در موقع احراست ، در قانون دول و ملل متمدنه رشوه گرفتن برخلاف ملک و ملت سزایش از هر جنسه و حیاتی بالاتر است اگرچه رشوه دای شخصی هم سزای سخت دارد ولی نه مثل رشوه دای بوعی است

بعقیده ما امروز بزرگترین وظیفه قوه مجریه ما اجرای قانون سزای رشوه است که در مجلس مقدس از کثرت آرا گذشته گویا بامضای شاه رسیده ولی امروز امضای آن دشوار نیست

هرگاه قانون سزای رشوه مجری گردد و چند نفر از هر طبقه سزا یابند میتوان گنت که عرابه جمیع اصلاحات ایران بمجرای صحیح خواهد گشت ، اول قانونیکه در ایران لازم الاجراست همانا قانون سزای رشوه است . که هم خراب آن از هر امر پیش و هم پیش از هر عمل قبیح عادت طبیعی ایرانیان و ما به الابتلای عموم طبقات ملت گردیده ، و ما امیدواریم که قبل از اجرای هر اصلاح قوه مقننه و مجریه در قانون سزای رشوه بکوشند که قاطبه مواد مصلحه ملک و ملت مربوط بمجریه از رشوه است . اگر اندک اندک رشوه را از میان بردارند

کلیه آشوبهای این سه ساله و عدم پیشرفت مشروطیت دوره اولیه و صدور صدها احکام غیر ما انزل الله و قتل و جرح صد هزاران نفوس و خساره صدها میلیون و دخالت اجاب در وطن مقدس ما تمام از محوست رشوه بوده است

بالا ترین امیدواری ما در حسن طاقت ایران آن خواهد بود که در جراند به بنیم که فلان وائی و مرآتیی را در محاکمه عدلیه بر طبق قانون سزا داده اند ، اجرای قانون رشوه چون خیلی اهم و بزرگ است اگر درین موقع که قلوب هر طبقه مرتضی و سرعوب است جاری اندازند ، آید در اجرای دوجار مشکلات عظیم خواهیم گردید

خط مدهانه اهالی آستارا

(باصفهان قبل از فتح طهران)

از سستی و تهاون حضرات سرداران بختیاری عنقریب زنان و مردان این صنجات را بی غیرتی بعضی از وزرا تحت رقیب و اسارت دولت جاره روس خواهد کشید ، مختصر عرض میکنیم ، امید های دور و دراز ما بچارگان از آن وجودهای محترم کم کم مبدل بحرمان و مابوسی دارد میشود ، ماها تاجان داریم خواهیم کوشید ، بهمن زود پیا غیرت اسلامی و حیت ایرانی بدوات روس نشان خواهیم داد ، عرضه میداریم ای حضرت صمصام السلطه وای مدین غیرت و قوت حضرت ضرغام السلطه و ای ترقی خواه جنس ایران ، و ای دوستدار معرفت و ناشر علم و تمدن سردار اسعد ، و ای جوان رشید شیور ابوالقاسم خان ، شماها نبودید ظلم اقبال الدوله کاشا را بر اهالی اصفهان روا نداشته با کمال غیرت و شجاعت در عرض دوازده ساعت مرضع گردید ، پس چگونه راحت نشسته هیچ بوزراء بی ناموس تهدید نمیکنید و در کندن ریشه فاسق حرکتی نمیترساید ، آیا تسلط کفار اکثر از اقبال الدوله است ؛ عرض میکنیم

آنانکه بعد زبان سخن میگفتند

آیا چه شنیدند که خاموش شدند

ز نهای این سرحدات با اسم جوانمردی شماها در تخت خواب باسراحت شب را سحر میکردند ، بعد از آنکه سکوت آن حضرات معظم گوشزد خوانین سرحد نشین گردیدند ، غندرات سرحد روس مشق

جنگ میکنند از برای مدافعه حاضر و مریا میشوند ، رفع این زحمات از این غندرات بته بهمت و غیرت حضرات بختیاری و حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای نفا الاسلامت ، همچوگان میکنیم که آن سرداران عبور خبرندارند که قزاقهای روسی محض ایکه بهانه بدست بیاورند بناموس اسلامیان دست اندازی میکنند . رو بند از چهره نسوان بر میدارند تا مردم را هیجان بیاورند ، آب را گل آلود نموده ماهی بگیرند ، هرگز اهالی آذربایجان تحمل اینگونه تعدیات نکرده و نمیکند محض حفظ ناموس عموم مسلمین ایران همه این اجحافات صبر و تحمل میکنند ، از این تعدیات از وحشیهای روسیه خیلی سرزده و خواهد زد ، آیا روسها بسر خود اینکارها میکنند؟ خیر - وزراء گرام و درباریان بی غیرت میل دارند ، قلم اینجا رسید و سر بشکست

(اهالی آستارا - از سرحد آستارا)

حکم حضرت آیه الله خراسانی

(به اهالی فارس)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

بعرض میرساند - انشاء الله همواره در کتف حفظ و حراست آریه عز اسمه محفوظ و مساعی جلیله مبدوله در خدمت بدین مبین و قلع اساس استبداد ظالمن و حفظ حوزه اسلام ، و مسلمین مشکور و پیوسته بنزید تایید و تسدید مخصوص و در استحکام اساس مشروطیت و اتحاد که ملیه چنانچه باید و شاید بذل جهد خواهید فرمود -

تلگراییکه از سیم خارجه مخبره فرموده بودید رسید و موجب کمال اسف و تحسر گردید که پذیرفتن اظهارات نفاقیه این اشقیاء ملعونه بی قوام موجب جرأت و جسارت آنها باین شایع مودی گردید ، عجباً حکم تلگرافی بعموم ملت فارس و خاصه جنب اجل اکرم صولة الدوله و ایل جلیل قشقائی و سایر شیرمندان در لروم نخلیص اسراء اسلامیه و استرداد اموال منروبه مسلمین و حفظ امنیت بلاد و طرق و شوارع از اغتشاش کاری و راهزنی های اتباع آنها ولزوم استقاد اموالیکه در اینمدت بوسیله راهزنی و قطع طرق و شوارع از مسلمانان انتصاب نموده در جواب تلگراف جنابان مستطابان عالی بتوسط بصره و بوشهر مخبره شد الشایعه مجازات شخصی خود آنها

بر عموم ملت فارس واجب و خاصه از جناب اجل اکرم صولت الدوله و ایل جلیل قشقائی بذل جهد کامل مامول و الحاق از ایالت جلیله مایوس نمودن ملت از خود باین درجه مترقب نبود

(محمدکاظم خراسانی - عبدالله مازندرانی)
استدعا آسکه آنچه را فریضه ذمت خود میدادید در احراء مدول دستخط مبارک از اقدامات فعلیه و خواستس اربادی امور بمنصه طور آورید، شیخ علی، داعی حاجی علی آقا حواد طباطبائی - هاشم طباطبائی - ابراهیم الموسوی - احمد طباطبائی - داعی اصغر - عبدالحسن -

گذشته از همه چیز آیا سراوار است مضامن این دستخط تلگرافان احراء بشود - احقر محمد حنجر عره شبر حادی اثنایه

تلگراف از شیراز باصفهان
جناب حلاتاب آقای قوام الملک دام ابه الله
بر حسب حکم حضرت آیت الله آقای آخوند ۹۰ محمد کاظم خراسانی مدینه ظلم و تعدی و قتل سوس و هت اموال نارستائیه که از بن قوام صادر شده بمنزله اقدامات بیرحمانه بن امیه و دلماسست که از آنها سبب بازداد رسول صلا الله علیه و آله وارد آمده و لکنه تاریخی که گذارده روزگاران محو و نابود نخواهد شد و مأموریت سبب متذو ریب نمیشود و حضرت مستطاب اجل آقای صولت الدوله اگر در مقام انتقام برآید بقتضای تکلیف مسلمانی ایشان است، معذک اگر اموال مهبویه لاریان را مسترد و در مقام استرضاء خاطر آن بیچارگان برآید ممکن است که انجمن ولایتی از آن سردار معظم استدعاء نمایند از خیالاتی که دارد صرف نظر فرماید (انجمن ولایتی)
تلگراف حضرت سپه دار به آقای سردار بهادر
خدمت حساب مستطاب اجل عالی جناب قلیحان سردار بهادر دام اقباله - همت باند و عزم ارجمند جناب مستطاب اجل عالی و سائر برادران بختیاری را از صمیم قلب محسن و حرکات و مجاهدت آن برادران محرم را تشکر میکنم، اگر بحرکتی سریعتر از نسیم صبا خود را باردوی کپوان شکوه و سائر برادران بختیاری ملحق و بختبارکنید موجبات شکر گذاری کاملی است امتناناتی قلبی خود را تلگرافاً بحضرت سردار محترم تقدیم نمودم (محمد ولی)

تقتضای تکلیف در موقع لازم کوتاهی نخواهد شد بکن چند آنچه تلگرافاً عرض شده از ایالت جلیله مترقب نبود تا باین درجه مایوسی ملت را از خود پسندند و لکنه دار شدن مقام خودشانرا بمسائدت اطنی با این اشقیاء ملعونه در این شتایع و راهزنیهای بیخمت روا دارند حتی بموجب مکاتیب معتبره داخله ز معتمدین راهزنی اتباع آنها بجان رسیده که حتی با امنی صرق و شوارع فیما بین یزد و کرمان و خراسان هم بحریکات این اشقیاء ملعونه هستند و موال مهبویه از مسلمین یزد آنها مجتمع و حله از صاحبان اموال تعاقب نموده و اموال خودشان را عیناً نزد اتباع آنها دیده و از ایالت جلیله در استرداد آنها توجه و همراهی شده است، در هر صورت لازم است بی برده از جانب احقر نایات جلیله ابلاغ فرمایند که چنانچه برائت صاحب خود را از همدستی باطنی در این شتایع نخواهید لازم است در تمام مراتب بروفق مرام ملت مسائدت فرموده تمامی اموال مهبویه حاصله از راهزنیهای اجمت را باصمام آنچه در این وقایع اخیره استرهاب نموده استرداد و عرامت اتلافات را هم استیفاء نموده در محاربات آنها حکم آلهی عراسمه را احراء دارند، وانشاء الله نتایج اقدامات را عاجلاً اعلام فرمایند تا شکایت منظوره موافق شرع اقدام شود

(والسلام علیکم ورحمته الله و برکاته)

من الاحقر الجان محمد کاظم الخراسانی

تلگراف از شیراز باصفهان

خدمت ذی سعادت حضرت نوالاسلام، اجل سمعاص السلطه، انجمن ولایتی، عن دستخط تلگرافی و حکم آلهی که از ناحیه مقدسه عتبات عالیات صادر شده است بصره توسط دهمشتی بوشهر جناب حاجی ناصر مهبوبانی تلگراف ذیل را محابره فرمایند -

شیراز، جنابان نوالاسلام آقای شیخ جعفر، آقا شیخ علی، عموم ملت فارس دامت تائیداتهم - تلگراف شریف رسید بذیرفتن اکاذیب نفاقیه بنی قوام و اشقیاء ملعونه موجب جرأت باین شتایع فجیبه گردید، عجزاً تخلص نوامیس اسلامیه، استرداد مهبوبات، حفظ بلاد و شوارع از انتشارات آنها استتقاد اموال حاصله از راهزنیهای اجمت از آنها

نقل از روزنامه سروش

وظیفه و مسئولیت دول

چنانچه اشخاص نسبت بیکدیگر بعضی حقوق و وظایب دارند دولتها هم که اشخاص منوی هستند در مقابل حقوق خود پاره وظایب دارند، یعنی در تمام حقوق مقابل هر حق یک وظیفه موجود است. مثلا بعضی از حقوق دولتها حق تخط، حق استقلال، و حق آزادی و مساوات است. و در مقابل آنها بعضی وظایفی دارد که باید رعایت بکنند و اگر رعایت نکنند از این حقوق هم بهره مند نمی شوند. و این حقوق اسم بلامسمی میباشد، حالاً بطور اختصار به بنیم وظایب و مسئولیت دولتها در مقابل یکدیگر چیست.

(وظایب دول)

علمای علم حقوق وظایب دول را بدو قسم تقسیم کرده اند، یکی «وظیفه معاونت متقابل» و دیگری «وظیفه عدم مداخله» چون قسم اول مناسبت به احوال امروزی ما ندارد تفصیل آرا به آینده گذاشته بمرح قسم دوم یعنی وظیفه عدم مداخله مختصراً میگردانیم.

(وظیفه عدم مداخله)

مداخله عبارت از دخل و تصرف بکدوات است به امور داخلی و خارجی بکدوات دیگر. یعنی اجرای نفوذ بکدوات را برای برتری دادن مقاصد خود به آمال شخصی دولت دیگر مداخله می گویند. هر یک از دولتها بحسب حق استقلال بکه دارد میتواند شکل حکومت و تشکیلات اساسی خود را تعیین نماید. یعنی دولت مستبده بامشروطه و یا جمهوری بشود و یا قانون اساسی بملت خود بدهد و منابع ثروت خود را تزئید و تجارت و صنایع خود را توسعه داده و صاحب مستملکات بشود. و با فلان دولت عقد معاهده بکند و یا نکند. و اختلافات خود را رأساً تسویه و یا بعضی شرایط با دولتهای دیگر عقد ائتلاف و ائتلاف نماید. یعنی در تنظیم امور داخلی و خارجی خود آزاد است. و این حق استقلال است که از مداخله دول دیگر به امور آندولت مانع میباشد. و هیچ دولتی بدون تکلیف حقیقی و واقعی دولت دیگر حق مداخله بامور وی ندارد.

بس چنانچه هیچیک از دولتها حق مداخله بامور یکدیگر ندارند عدم مداخله هم از جمله وظایب آنها میشود. باوجود این قانون که یکی از قوانین مهمه و مشهوره حقوق بین الدول است بعضی از دول قویه بنام «حق مداخله» برخی مدعیات و مطالبات اظهار میدارند و وجود یک حق مداخله را ادعا می نمایند. این نیست مگر برای روپوشی و شکل قانونی دادن تعرضات و تجاوزات حقوق شکنانه خود که در حق دول ضعیفه روا میدارند. و حال اینکه در علم حقوق حق مداخله نیست و نمیتواند بشود. زیرا در مقابل حق یکدیگر نیست. بلکه بیکوظیفه موحود است، مثلا در مقابل حق استقلال حق مداخله نمی شود زیرا منافی با استقلال است بلکه وظیفه عدم مداخله موحود میباشد.

مداخله در هر شکل و صورت بوده باشد همیشه تغییر نمی یابد، خواه در صورت اشغال عسکری و مسلحاً وقوع یابد و خواه بطریق سیاسی یعنی اختلالات شاهی و تحریری اجرا شود باز شکل مداخله را دارد. فقط درجه شان متفاوت است و اغلب اوقات مداخله بطریق سیاسی نم منجر بمداخله مسلحه میشود، ولی هر دو طریق دور از دایره حق و برخلاف قوانین حقوق بین الدول است.

مداخله یا بتناسبات خارجی و به امور داخلی بکدوات واقع میشود، مثلا اگر در اختلافات ما بین دو دولت حادث شده است بدون تکلیف واقعی بکدوات دیگر خود بخود مداخله بکند مداخله به امور خارجی او کرده است، چنانچه اگر در تسویه اختلاف سرحدی که دوسه سال است ما بین ایران و عثمانی شروع شده و هنوز نتیجه نه بخشیده است دولت دیگری مداخله بکند مداخله بامور خارجی ایران و عثمانی کرده است، ولی اگر بموجب دعوت و تکلیف واقعی یکی از آندو دولت مداخله کرده است کینیت مسئله شکل مداخله نمیگیرد بلکه عبارت از توسط میگردد.

گاهی هم میشود که برای حل اختلاف ما بین دو دولت بکدوات دیگر ابراز مساعی جمیده و مساوات خود را تکلیف می کند. این تکلیف اگرچه ماهیت مداخله را ندارد. اما اگر تنها یکی از آندو دولت تکلیف مذکور را رد نماید

سبب این میشود که طرف دیگر با آندولت تکلیف کننده اتقان مینماید .

مداخله یا علنی و یا ضمنی میشود . مداخله علنی وقتی است که یکدولت به امور داخلی و یا خارجی دولت دیگر تلقاً و رأساً مداخله بکند . چنانکه مداخله روس و انگلیس به امور ایران مداخله علنی است . و مداخله ضمنی وقتی است که یکدولت برای منع مداخله دولت دیگر به امور یکدولت مداخله بکند . مثلاً اگر دولت آلمان یا عثمانی برای جلوگیری از مداخله روس و انگلیس در ایران مداخله نماید مداخله ضمنی کرده است .

بعضی از دولتها این قانون عمومی بنالدول را سوء تأویل و ملاحظه منافع شخصی خود بوضاً مداخله را رد و بوضاً قبول کرده اند . در بسیار جاها مداخله را برخلاف قواعد حقوق بنالدول دانسته و رد کرده اند . و در جی دیگر هم مداخله را حق قانون شمرده و بوسایل مختلفه مداخله بامور دولتهای دیگر کرده اند و مداخله روس و انگلیس را در اینجا مثال میآوریم .

(مداخله روس و انگلیس)

این دو دولت که از دول معلمه بشمار میروند اولین دفعه بیست که قواعد حقوق دول را پایمال هوسهای بوتدیکی خود کرده و مداخله به امور وطن مقدس ما ایران نموده اند . بلکه در صفحات تاریخ دول بسی مثلاً برای حرکات حقوق شکنانه و مداخله متجاوزانه این دو دولت میتوانیم بیابیم . این نکته را باید دانست که دولت انگلیس در مداخله و تجاوز امروری روس فیندحل و شریک است . و بعضی حرکات احرارانه که از مأمورین آندولت سرزده و یا خطابه مان که از طرف وزیر خارجه انگلیس در حنط استقلال ایران گفته میشود همه برای دغوشی و سرپیچی ما است . فقط دولت انگلیس در تجاوز همقدی با شریک خود روس نمی کند و از دور بحرکات حریب خرد سیر و تماشا مینماید .

دولت انگلیس را بعضاً مداح وستایش می کنند که قانون عدم مداخله را رعایت و مدافعه میکند و چندان تجاوز و مداخله بامور دول دیگر نمینماید و حال آنکه هر جا منافع سیاسی اقتضا کرده از

مثلاً وقیدیکی در سال ۱۸۴۱ از طرف اماریش به امور ایتالیا و در سال ۱۸۴۳ از طرف فرانسه بامور اسپانیا مداخله می شد دولت انگلیس مداخله این دو دولت را مخالف قوانین بنالدول شمرده و بروتست کرده است . ولی خودش بامور دولت گویا (وقتیکه مستملکه اسپانیا بود) مداخله و برای ابقای دولت مذکور در تحت اداره اسپانیا تکلیف عقد معاهده مابین انگلیس و فرانسه و آمریکاک کرده است . و در سال ۱۸۴۶ و ۱۸۴۴ به امور داخلی پورتگیز مداخله و در حال فرصت هم از مداخله بامور عثمانی خود داری نکرده است .

یعنی خودش به امور بعضی دولتها مداخله کرده و هر وقت دولت دیگر بهم خواسته است به امور هماندولت مداخله بکند اعراض کرده حرکتش را مخالف قانون دانسته است ولی دولت انگلیس در همه مداخلات خود از تردستی و مهارت سیاسی ابرار نزاکت نموده و به تجاوزات و مداخلات خودش شکل قانونی و رنگ انسانیت پروری داده است .

اما دولت روس چنانکه امروز در مداخله بامور ایران کمال وحشت بکار میبرد در تمام مداخلات خود به اجراءات وحشیانه و ظالمانه مشهور بوده و قدرت و لنت ملل را جلب نموده است ، در تقسیم مملکت دستان و ضبط قریم و ترکستان و تشویق بصلیان و احتلال اهالی روم ایل و تفریق رومانیای و صربستان و بلارستان و قره طاع از عثمانی حرکات و اجراءات وحشیانه و حیده کارانه مأمورین سیاسی اش ثبت صفحات تاریخ است .

در اینجا پیش از آنکه به تفصیل اشکال مختلفه مداخله بگذریم باید به بینیم درینگونه مواقع که یکدولت بناحق و خلاف قوانین بنالدول به امور یکدولت مداخله و تجاوز می کند چه چاره و تدابیر بکار میبرند و چگونه مدافعه و نمانت مینمایند .

(جاره قطی)

البته درینگونه مواقع بهترین و اولین جاره مدافعه و مقابله مسلحه است ، زیرا برای مقابله کیدیکه استناد بقوت و زور خود نموده مانند روس مداخله و تجاوز بحقوق دولت دیگر مینماید جز استعمال صلاح و قوت جاره دیگر نیست ، چنانکه امروز در مقابل تجاوزات دولت روس که صدمه بزرگ بر ارکان استقلال ایران است ایرانیان حیت سرشت غیر از مدافعه و استعمال قوت مساعه چاره دیگر ندارند و تا آخرین نقطه جانفشانی و فداکاری درمدافعه وطن مقدس خواهند کوشید . و خاک پاک وطن را که هر مشتی از آن با خون پاک اجداد شان سرشته است با خونریزی و مدافعه مرده محافظه خواهند کرد .

ولی مقتضات بوتیک دول و احوال سیاسی عالم استعمال قوه مسلحه و حرب را پیش از نومبدی از وسایل دیگر جایز نمیداند . و درحقیقت می بینیم که اغلب دول احتلالات بزرگ را درمیان خود بدون خونریزی و استعمال قوه جبریّه نسویه می کنند ، زیرا بدیهی است که دول صعبینه مقاومت با دول قویه باسانی نمیتواند کرد ، و نتیجه حرب هم همیشه مشكوك و بهر دو طرف موجب خسارات و ضرر های بزرگ است ، لهذا اغلب دول و ملل وسایل لازمه را که تدابیر سیاسی مینامند ویش از رجوع بجاره قطی اجرا مینمایند مادم از ویش نظر دور نباید بداریم .

(تدابیر سیاسی)

تدابیر سیاسی که دول و ملل ویش از توسل بقوه مساعه برای مدافعه حقوق خود و منع مداخله اجاب بکار میبرند دو قسم است . یکی تدابیر سیاسی رسمی که از طرف وزارت خارجه آندولت وبتوسط سئرا یا سرخص های فوق العاده رسماً اجرا میشود که درینجا لزوم بذکرش نمی بینیم . و قسم دوم تدابیر سیاسی ملی که از طرف افراد ملت و انجمن و کومیته ها هم اجرا میتواند بشود و بلکه محمول ملت است ، اگرچه درظاهر این تدابیر چندان حایز اهمیت بنظر نمی آید ولی در حقیقت تاثیر واهمیت زیاد دارد چنانچه در احوال جاریه و وقوعات یومیه دولتی ملل مشاهده میشود . این تدابیر عبارت

است از .

۱ - پروتست به دولت متجاوز به اثر بیاننامه و روزنامهجات و فرستادن آنها بمرکز مهمه حمیات سیاسی اروپا و پارلمانها و کابینه ها و تصویر و تقبیح اعمال و حرکات ناحق و وحشیانه دولت متجاوز و رسانیدن فریاد ملی بگوش تمام عالمان ، چنانکه حرکات متجاوزانه مأمورین روس را در ضمن بیاننامه در تبریز نشر داده و در نمره اول جریده سروش مندرج بود . ولی فایده اینها درین است که ترجمه به السنه اروپا شده و در جراید آنها نشر شود .

۲ - فرستادن مأمورین مخصوص بمرکز مهمه اروپا برای فہمایدن و واقف گردایدن اشخاص با نفوذ و صاحبان رأی و سیاست و طالبان عدالت و اساسیست و مبعوثان پارلمانها از مدافعات و مظام و اجراءات دولت متجاوز و ترویج افکار عمومه ملل اروپا و تحویل نظر دول بر دولت متجاوز چه اهمیت و تاثیر افکار عمومیه در اروپا بیشتر است .

۳ - تکذیب شایعات دروغ و اخبار کاذبه دولت متجاوز که برای محق قلم دادن مدعیات و مطالبات خود هر آن انتشار میدهد و بعضا اسباب مداخله را هم خود فراهم میآورد و بدست مأمورین سیاسی و مردمان دست برورده تشویق و تحریک به تعرض اجاب و ایقاع فتنه و فساد مینماید و آنوقت مداخله خود شکل قانون و حق اجباری میدهد . تدقیق و تعقیب این نقاط چنانچه بر خود دولت واجب است بر افراد ملت و انجمنها فرض است ، علاوه برین برای حفظ حقوق اجاب و تأمین آسایش داخلی به کمال جدیت باید کوشید و حتی حرکات و معاملات مأمورین دولت متجاوز و طرفداران او را از نظر تدقیق و کشف دور نداشت و اعمال بقانون و احوال حیلہ کارا به شایع اشاعه داد . چنانچه انتشار راپورت های ایباخوف درجراید اروپا که به کوماندان ققاز نوشته بوده است تاثیر زیاد در اروپا بخشد .

۴ - عقد متینخ یعنی اجتماع علنی برای اثبات حیات و افکار ملی و اظهار نرت و تحقیر دولت متجاوز در اغلب شهرها و مراکز مهمه داخله و خارجه و تبلیغ صورت پروتست به سئرا و مأمورین